

آموزش اصول و فنون مداحی

مؤسسه هنر و ادبیات آئینی عاشورا



نام نویسنده: قاسم رضایی

بخش اول: آداب و اخلاق مداحی

- ۱) عمل به واجبات و ترك محرمات
- ۲) روحیه خدمتگزاری به مردم
- ۳) اخلاص، زهد و پارسائی
- ۴) نظم
- ۵) روحیه انتقاد پذیری
- ۶) احترام به مستمعین
- ۷) خود سازی معنوی و آشنایی با مسائل شرعی
- ۸) زمان شناسی و مردم شناسی
- ۹) آشنایی با زبان و ادبیات عربی
- ۱۰) آشنائی با قواعد قرائت قرآن
- ۱۱) رعایت آداب ادعیه و زیارت
- ۱۲) تسلط بر دواوین شعرا و مطالعه آنها
- ۱۳) احترام به پیشکسوتان و هم نوعان
- ۱۴) انصاف در نقل مطالب و انصاف در توسل و روضه
- ۱۵) احترام و روابط نزدیک با مراجع و علمای دینی

بخش دوم: اصول مداحی اهل البیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)

- ۱- اصل محتوا در مداحی اهل بیت (علیه السلام)
- ۲- اصل پیام در مداحی اهل بیت (علیه السلام)
- ۳- اصل در مداحی اهل بیت (علیه السلام)
- ۴- اصل عزت و مبارزه در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

بخش سوم: نکاتی درباره اشعار و مدایح

- ۱- شعر و مدح مطلوب
- ۲- لزوم ارتقا سطح اشعار و مدایح
- ۳- اهمی صوت و آهنگ در اشعار و مدایح

بخش چهارم: مداحی اهل بیت و انقلاب اسلامی

- ۱- مداحی اهل بیت (علیه السلام) و انقلاب
- ۲- نقش انقلاب در تحول مداحی اهل بیت (علیه السلام)
- ۳- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در قبال انقلاب

بخش پنجم: مسائل جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

- ۱- لزوم وجود ضابطه و نظام در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام) بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری)

۲- لزوم خودسازی معنوی در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

۳- لزوم تعلیم و تعلم در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

بخش ششم: رسالتهای مداحان اهل بیت (علیه السلام)

- ۱- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در معرفی چهره اهل بیت علیهم السلام بعنوان

مثال چهره حضرت فاطمه زهرا(س)

۲- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در سازندگی و هدایت جامعه

۳- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در آگاهی و روشنگری جامعه

۴- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در قبال شهدا

بخش هفتم: فنون مداحی

۱) مجلس خوانی

۲) فن بین المجلس خوانی

۳) فن نوحه سرائی و نوحه خوانی

۴) فن دم خوانی

۵) فن واحد خوانی

۶) فن بحر طویل خوانی

۷) فن زمینه خوانی

۸) فن شور خوانی

۹) فن شرریاشی یا تکه خوانی

۱۰) فن قصیده خوانی

۱۱) فن مثنوی خوانی

۱۲) فن دکلمه خوانی

۱۳) مرصع خوانی

۱۴) فن خودخوانی

۱۵) ردیف خوانی

۱۶) فن غریب خوانی

۱۷) فن چهارپایه خوانی (چارپایه خوانی)

۱۸) تازه خوانی

۱۹) فن گریز و پل سازی

۱) از خودخوانی به مدح و مرثیه

۲) از مدح خوانی به مرثیه

۳) از مرثیه ای به مرثیه دیگر

بخش هشتم باید و نبایدها در مداخل و مراشی اهل بیت (علیه السلام)

مقدمه از مؤلف:

تشیع آئین محبت است و مداحان که پیوسته مناقب اهل بیت (علیهم السلام) خواننده و به ذکر و فکر ایشان اوقات گذارند، دوستدارترین خلق باشند، به نسبت خاندان و هر چند محبت بیش باشد مناسب بیشتر باشد و چندان که مناسبت بیش باشد قرب و نزدیکی بدیشان بیش باشد.

من احب شیئا فاکثر ذکره"

لله درکم یا ال یاسینا - یا انجم الحق اعلام الهدی فینا د

لا یقبل الا فی محبتکم - اعمال عبد ولا یرضی له دینا

سلسله جامعه مداح به دعبل‌ها و کمیت‌ها و حمیری‌ها و مداحان بزرگ در طول تاریخ شیعه می‌رسد و بحمد الله هر چه زمان می‌گذرد این مطلب بیشتر اثبات می‌شود.

در اصطلاح اهل فتوت که سالکان مسالك مردی و مروت‌اند و نسبت طائفه ایشان به ابراهیم خلیل الله، محمد مصطفی و علی مرتضی علیهم آلا ف التحیه و الثناء می‌رسد کلمه اثبات ربط لواحق به سوابق است و آن قاعده‌ای معتبر است که در سلاسل پیوند خلف و سلف را باز نماید و در وسایل ارتباط وصله‌ها و ابزار و نشانه‌ها را با مآخذ و مصدر آن بیان کند. چنان که در کلام شریف سلسله جامعه مداح به دعبل و کمیت‌ها پیوند داده شده و این از قول پیشینیان که طائفه مداحان را به فرزندق و حسان منسوب داشته‌اند مسلم‌تر است.

ما وظیفه داریم که خود را شایسته انتساب به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) کنیم.

اگر پرسند که آداب مداحی چند است بگوی پنج

اول آنکه در تقوا و طهارت به مرتبه‌ای باشد که از ارواح معصومین (علیهم السلام) شرمند نباشد.

دوم طریق عبادت و طاعت به قانون اهل بیت (علیهم السلام) رامرعی دارد.

سوم مدح از برای غرض و جزا نخواند بلکه از برای رضای خدا و طلب ثواب آخرت خواند.

چهارم دین خود را به دنیا نفروشد و دنیار و درهم را برحسنت و نعمات آن سرای اختیار نکند.

پنجم در مدح به مثابه‌ای غلو نکند که به کفر انجامد تا از آن جماعت نباشد که حضرت امیر در حق ایشان فرمود هلك فی اثنان، محب غال و مبغض قال"

پس شجره و سلسله مداحی، سلسله‌ای طولانی و طیبیه از زمان ائمه اطهار علیهم السلام است. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند شما همیشه سخت‌ترین کارهای تبلیغی را در مقابله با دشمنان حق و حقیقت بر دوش گرفته‌اید. نسب معنوی شما به دعبل و فرزندق و کمیت و شعرایی از این قبیل میرسد و سنت شعر خوانی برای اهل بیت علیهم السلام يك حرکت بزرگ در مقابل انحراف تاریخی است؛ و تا آنجا که ما کم و بیش می‌دانیم. این سنت از ابتدای تاریخ اسلام وجود داشته و این جامعه سابقه ممتد و ریشه عمیق دارد. شیوه مداحی هم از زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده و مضامین ارزشمندی است. لذا برادران باید توجه کنند که مسأله مداحی مسأله بسیار مهمی است.

با این مقدمه کوتاه ولی نسبتاً جامع در می‌یابیم که مداحی اهل بیت (علیهم السلام) یکی از بهترین راه‌ها برای مبارزه با ظلم و ستم و طاغوت و باطل است. و کاری است بسیار ارزشمند که قبل از هر کس خود ممدوحان یعنی ائمه اطهار (علیهم السلام) بر این مهم توجه و نظر ویژه داشته‌اند.

پس این کار بس عظیم است و مهم. ضمن برخورداری از يك تاریخچه بسیار طولانی و قوی می‌بایست دارای درجاتی از علوم و معارف حقه شیعه باشد. البته در علوم مداحی برخی از دوستان دلسوز این فن و پیش کسوتان اقداماتی را انجام داده‌اند. ما برآنیم با استفاده از همه مطالب منتشره و آموزش‌هایی که در این راه دیده شد و تجربیات بزرگان این راه جزوه‌ای آموزشی و کاربردی را ارائه نماییم. باشد که مورد توجه علاقمندان به ویژه نوجوانان و جوانانی که در ابتدای این راه بزرگ هستند قرار بگیرد. به همین دلیل مباحث مطروحه را به نه بخش ذیل تقسیم می‌نماییم:

(۱) آداب و اخلاق و علوم در مداحی

(۲) اصول مداحی

(۳) نکاتی درباره اشعار و مدایح

- ۴) مداحی اهل بیت علیهم السلام و انقلاب اسلامی
- ۵) مسائل جامعه مداحان
- ۶) رسالت مداحان
- ۷) فنون مداحی
- ۸) بایدها و نبایدها در مداحی اهل بیت علیهم السلام
- ۹) آشنایی مختصر با سبک‌ها و قالب شعری و برخی از آرایه‌های ادبی

بخش اول: آداب و اخلاق مداحی
ما در مقدمه مداحی را در پنج مورد بیان نموده‌ایم. لیکن برآنیم موارد دیگری از آداب و اخلاق مداحی را ذکر نمائیم.

(۱) عمل به واجبات و ترك محرمات
مداحان اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه انتساب قرب به ممدوحان در این خصوص باید الگوی جامعه باشند.

آیا مداحی که اهل خمس نباشد، مورد قبول ائمه اطهار (علیهم السلام) است، متأسفانه باید اعتراف کنیم که ما مداحان بیشتر نقش تابلو را ایفاء می‌کنیم. در امر و نهی کردن ید طولائی داریم اما در عمل از بیشتر مستمعین خود عقب هستیم.

یکی از گناهان کبیره دروغ و خلف وعده است که گریبان خیلی از مداحان را گرفته است. چه مجالس با عظمتی بخاطر يك خلف وعده مداح مدعو از هم پاشیده شده است. یا دروغ‌هایی که در هنگام دعوت گفته می‌شود بی‌حد و حصر شده است و بهمین شکل در سایر واجبات و محرمات اگر خواهیم دقیق بررسی نمائیم، می‌بینیم که خیلی مشکل داریم.

(۲) روحیه خدمتگزاری به مردم
مگر ما خودمان را منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) نمی‌دانیم، و همه این شعر را با ذوق نمی‌خوانیم؟

شدم از خردسالی بی‌اراده - ارادتمند بر این خانواده د
در اینجا انتساب با حسین است - به فرداهم حسابم با حسین است د
اگر زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را مطالعه نمائیم با يك نگاه کلی در می‌یابیم که سراسر زندگی آنها طاعت خالق و خدمت به مخلوق است. بزرگان ما هم همین طور بودند. پیش کسوتان این قافله در قدیم الایام میان‌دار خدمت رسانی به مردم بوده‌اند. چطور می‌شود يك هنرمند، بازیگر سینما، یا يك ورزشکار که ابزار تبلیغ آن تئاتر، فیلم و سریال مصنوعی یا نقالی در تئاتر یا ورزشکار با آن پیراهن ورزشی، توپ و تور و چند امضاء ساده در امر خدمت رسانی قافله سالار باشند. اما اثری از وعاظ و مداحان در این اجتماع نبوده یا بسیار کم رنگ باشد در صورتی که مداحان عزیز (بهترین الگوی تبلیغ، یعنی مرام و مسلک و سیره ممدوحان خود) را در اختیار دارند. مرحوم کافی (ره) در این زمینه الگوی خوبی است.

چقدر مهدیه در سطح کشور ساخته و چند باب مشروب فروشی را تبدیل به مسجد یا مهدیه کرده است یا مرحوم حاج اکبر ناظم یکی از کارهای برجسته‌شان خدمت به مردم و فقرا بود.
ما خدمت به هم نوع خودمان را هم به فراموشی سپرده‌ایم. مثلاً يك نفر مداح هر سال بطور رایگان به حج تمتع یا عمره می‌رود ولی مداحان پرمایه و مؤثری را داریم که می‌توانند مفید هم باشند ولی یکبار به این سفر اعزام نشده‌اند. چرا نباید روحیه هم نوع گرانی و برای دیگران خواستن در ما تقویت شود.

در حادثه زلزله بم حاج سعید حدادیان در شبکه سوم سیما در چند دقیقه صحبت کردن صدها هزار نفر و شاید بیشتر را تحت تأثیر کلام نغز و روایات قرار داده. چرا همه مدحان نباید اینگونه باشند و اصلاً کجا هستند، مدعیان و پیش کسوتان و بزرگان، چرا همه اقشار همت عالی نشان داده‌اند؟ ولی جامعه مداحان!

(۳) اخلاص، زهد و پارسائی
سه فضیلت ذکر شده برای همه مؤمنان سفارش شده است. و از سیره پیامبر بزرگ اسلام و ائمه طاهرين (علیهم السلام) به شمار می‌رود و صحبت کردن در این باب بسیار مشکل است.
اما با مقداری دقت در رفتار و اعمالمان می‌توانیم، شبیمنی از اخلاص در اعمال خود بنشانیم و بوئی هم از زهد و پارسائی را بچشمیم. بقول صائب:

عنان نفس کشیدن جهاد مردان است - نفس شمرده زدن ذکر اهل عرفان است د
برخی از اعمال تعدادی از دوستان دون شأن مداحی است. مثلاً
الف) عدم حضور در مراسم وعظ و خطابه

ب) عدم حضور بر سر سفره‌های گسترده عمومی اهل بیت (علیهم السلام)

ح) حس برتری بر دیگری

د) جاه‌طلبی و شهرت‌طلبی

و صدها مورد دیگر که برادران آگاه هستند و همه این‌ها مغایر با زهد و پارسایی و تقواست.

۴) نظم

از وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) نظم در امور است. در احوالات امام خمینی (ره) نوشته‌اند وقتی که در نجف اشرف بودند آنقدر منظم و دقیق به حرم مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) تشریف می‌یافتند که خادمین حرم ساعت‌های خود را با ورود و خروج امام (ره) تنظیم می‌کردند. انصافاً مداحان عزیز يك آماری بدهند چند درصد از آنها سر وقت در مجالس حضور می‌یابند. حال آنکه باید حتی زودتر از موعد مقرر سر جلسه حاضر شوند. تا از اضطراب صاحب مجلس کاسته شود چقدر از مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به لحاظ بی‌نظمی مداح یا سخنران از هم پاشیده شده است. بسیاری از هیئات مذهبی هفتگی بخاطر بی‌انضباطی برخی از همکارانمان تعطیل شده است.

۵) روحیه انتقاد پذیری:

عدم پذیرش انتقاد در جامعه مداحان يك معضل همگانی است. حتی برخی از مداحان از جواب دادن به پاسخ برخی علمای دلسوز هم خوداری یا شروع به جو سازی می‌نمایند. مثلاً یکی از علمای بنام که علاقه فراوانی هم به جامعه مداحان دارد و اگر متوجه حضور يك مداح در جلسه خود باشد. از خواندن شعر و روضه خوداری و مجلس را به مداح می‌سپارد. البته نه اینکه بلد نباشد. بلکه از سر اخلاص و احترام به ذاکر امام حسین (علیه السلام) نقل می‌کرد يك مداحی يك مقتلی را خواند. بنده سؤال کردم سند این مقتل کجاست. شروع کرد به پرخاشگری و اینکه شما علما به مداحان حسادت دارید. چون مردم شما را تحویل نمی‌گیرند و از این قبیل عبارات. مگر ما فراموش کرده‌ایم که جامعه مداحان در مکتب حوزه دینی و در پرتو علما رشد کرده‌اند. مگر امام (ره) نفرمود: محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است. این جمله بسیار کوتاه ولی نغز و پر محتوا بساط مداحی را گسترده کرده است.

عنایت مقام معظم رهبری به مداحان، عنایت مراجع تقلید به مداحان اهل بیت (علیهم السلام) باعث رشد این کسوت و گسترده‌گی کار آنها شده است. (لذا مداح خوب باید انتقادپذیر باشد به ویژه از علمای دین.)

۶) احترام به مستمعین:

یکی از راههای جذب قلوب مستمعین و سوق دادن آنها به سوی معارف و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) احترام به آنها است. زیرا بسیار دیده شده با يك بی‌احترامی به مستمع گرفتاریهای فراوانی بوجود آمده است. متأسفانه برخی از برادران جوان ما در جامعه مداحان با گفتن برخی از عبارات مثلاً هر کس کف نزنند به اهل (علیهم السلام) ارادت ندارد. اگر گریه نمی‌کنی برو بیرون از مجلس، چشمی که گریه ندارد چشم نفاق است، اگر درست سینه زنی نشانه کم‌ارادتی به اهل بیت است. و صدها عبارات از این قبیل در یکی از شهرستانها (مرکز استان) رئیس هیئت رزمندگان نقل می‌کردند. یکی از آقایان مداح در جمع چند هزار نفری گفت کسانی که گریه نمی‌کنند نطفه پدرشان نیستند که باعث اعتراض شدید امام جمعه شهر و جمع کثیری از مردم شد. مردم به رفتار و کردار ما خیلی حساس هستند. نوع مصافحه با مردم، برخورد گرم و صمیمی. نوع نشستن بر منبر، همه باید بر مبنای اخلاق اسلامی باشد. و خلاصه اینکه باید حرمت مؤمنین را حفظ نمایم که فرمودند: حرمت مؤمن از حرمت کعبه بیشتر است.

۷) خود سازی معنوی و آشنایی با مسائل شرعی

تا کسی اهل محبت نباشد قاعدتاً وارد این وادی نمی‌شود. وظیفه هر انسانی است که سرمایه محبت و معرفت و معنویت را زیاد کند.

اولاً؛ باید خودمان در هر سطحی که هستیم، سعی کنیم این سرمایه را زیاد کنیم و هر کسی باید خودش را بالا بکشد. سرمایه معنوی هم مثل سرمایه‌های مادی اگر به آن اضافه نکردیم تمام خواهد شد. بدون تعارف همه ما به يك پالایش درونی نیاز داریم. اینکه ما در زیارت می‌خوانیم ما

معروفین به دوستی محبت شما هستیم. يك وظیفه مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد. نزدیک شدن به مراکز نور لازمه و خاصیتش نورانی شدن است.

باید با عمل نه فقط محبت به تنهایی، قنبر در خانه علی (علیه السلام) شدن کار آسانی نیست اینطور نیست که سلمان منا اهل البیت، کار آسانی باشد. لذا در این زمینه هم سعی و تلاش زیادی باید انجام شود.

سزاوار نیست مداحی با این همه پیوند مذهبی و دینی و شرعی مسائل و احکام شرعی را نداند. فراوانند مداحانی که مقید به مسائل شرعی نیستند. عدم اهمیت مداح به مسائل شرعی سبب می‌شود. که موقع اذان و فریضه واجب نماز از خود فتوا بدهد و به مداحی ادامه بدهد، در حالی که سیدالشهدا و همه ائمه مقید به نماز اول وقت بودند. برای آماده سازی ذهن برادران باید عرض کنیم که برنامه‌های دین به سه دسته تقسیم می‌شود.

الف) برنامه‌های اعتقادی. یعنی اصول دین که در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان است و مکلف باید نسبت به آنها خود را به درجه یقین برساند.

ب) برنامه‌های عملی. یعنی فروع دین یا احکام که مشتمل بر بایدها و نبایدهایی است که با انجام و یا ترك آنها همراه با اعتقاد صحیح اطاعت الهی تحقق می‌یابد.

ج) مسائل روانی و اخلاقی: که در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است. هر مسلمان باید یا مجتهد باشد یا مقلد یا به احتیاط عمل نماید. فلذا مستمعین توقع دارند که مداحان به مسائل دینی بیشتر از بقیه آگاه باشند. یکی از راه‌های مهم خودسازی و تقویت روح موعظه است که ما مداحان کمتر به آن توجه داریم.

۸) زمان‌شناسی و مردم‌شناسی

یکی دیگر از مهمترین جهات در مداحی موقعیت و زمان‌شناسی است که به علم بلاغت هم وابسته است. زمانها متفاوتند. مثل زمان طبیعی - زمان تاریخی. زمان اجتماعی هر يك مقتضیات دارند که در روایات هم به آنها اشاره شده است. زمان طبیعی همان تحولات و حوادث و دگرگونیها و قوانین طبیعی و مقررات تکوینی است که امام صادق (علیه السلام) فرموده:

برای افراد عاقل در هر حالی که هستند شایسته نیست سه چیز را از یاد ببرند که یکی از آنها آفات و بلاای طبیعی است. مداح باید زمان رویدادهای تاریخ اسلام و شیعه و اهل سنت را بداند. تا در این زمان مردم را نسبت به وقایع آن آگاه کند و بیان واقعی تاریخی همان روز که واقع شده تأثیر فراوان و مستقیم دارد. متأسفانه خیلی از مداحان این نکته را رعایت نمی‌کنند. مثلاً روز دوم محرم که ورودیه است چیز دیگری می‌خوانند.

اما مردم‌شناسی:

مداح با توجه به شناخت و اطلاع از افکار و عقاید و حالات هر جمعی مداحی می‌کند و این شناخت در هر زمانی با زمان دیگر متفاوت است زیرا مردم متفاوتند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: عاقل کسی است که بداند مردم از او چه توقعی دارند. اعتقاد بزرگان این است مداح باید عالم به زمان باشد. شاعر خوب کسی است که عالم باشد. چرا دیگر يك حافظ و یا سعدی یا بزرگان سخن نداریم. جهل مبلغین و سادگی و کم سوادی یا بی‌سوادی آنها وقتی به جهل مداح و مستمعین آمیخته می‌شود اهل بیت و معارف آنان در همان غربت خواهند بود. باید با فرهنگ مردم هر شهر آشنا بود. بعنوان مثال در فلان شهر در آوردن لباس را برای سینه زنی مناسب نمی‌دانند یا در شهری کف زدن را عملی لاهی می‌دانند لذا باید به فرهنگ‌ها و رسوم مردم در صورتی که خلاف شرع نباشد احترام گذاشت.

۹) آشنایی با زبان و ادبیات عربی

شخصی که مداحی می‌کند در شعر و سخن و دعا و مقاتل و کتب مربوطه به لغات و عبارات و جملاتی مواجه می‌گردد که از زبان عربی وارد شده و در این شرایط اگر مداح با زبان عربی آشنا نباشد نه آن کلمه یا جمله را درك می‌کند و نه می‌تواند صحیح آن را تلفظ کند. لذا بر يك مداح لازم است با قواعد و ترجمه و مقداری صرف و نحو آشنا شود تا بداند کجا باید ابوالفضل بگوید و کجا ابوالفضل یا فرق ك و ك السلام عليك بدانند. و اگر اعراب را رعایت نکند در معانی تغییر و اختلافات

فاحش پیش می‌آید پس شایسته است که همه مداحان مختصری از علم صرف و نحو و ترجمه عربی را فرا بگیرد.

(۱۰) آشنائی با قواعد قرائت قرآن

بسیار مشاهده می‌شود، که برخی از مداحان، قرآن کریم را حتی از رو به زحمت و غلط می‌خوانند. هزاران بیت شعر حفظ کرده‌اند. ولی در زمینه قرآن مشکل دارند. و يك دوره ترجمه تحت الفظی و تفسیر قرآن را هنوز نیاموخته‌اند. یا قرآن را هم به آهنگ و صوت و لحن مرثیه و مداحی می‌خوانند. هر کلمه و حرفی را که دوست دارند مد می‌دهند و هر کجا دوست دارند وقف می‌کنند و برخی آنقدر به مداحی و شعر و مرثیه اهمیت می‌دهند به ادب و رعایت شئون قرائت قرآن کریم مخصوصاً در مجالس ختم توجه ندارند. لذا هر مداح و شاعری لازم است که بیشتر از شعر و مرثیه به قرآن کریم اهمیت بدهد. و فرا گرفتن قرآن مجید را در اولویت قرار دهد. و آیات قرآن را با قواعد مربوطه بخواند و قرآن را بهتر و بیشتر از شعر حفظ باشد.

(۱۱) رعایت آداب ادعیه و زیارت

دعا خوانی و زیارت خوانی یکی از جذاب‌ترین و پر محتوای‌ترین برنامه‌های ذاکین است و آنچه در این باره لازم است بیان شود، بحث در پیرامون دعا و زیارت و شرح آن بوده، بلکه مهمتر از همه آداب و وظایف دعا خوانان است بسیار مشاهده می‌شود که مداحان در مجالس گوناگون دعا و زیارات را، طوطی‌وار گاهی هم غلط می‌خوانند و لابلای آن ذکر مصیبت و شعرهای طولانی می‌خوانند. به همین مناسبت دعاخوانان و زیارت خوانان لازم است آداب و نکاتی را رعایت کنند که اهم آنها عبارتند از:

(۱) حتماً در مرحله اولیه يك دوره ادعیه و زیارات را از لحاظ مرور خوانی و صحیح خوانی الفاظ و عبارات تعلیم دیده، و با معانی و تفسیر آنها آشنا شوند.

(۲) در جلسات دعا و زیارت خوانی که افراد مجرب و با سواد و اهل ذوق اداره می‌کنند و می‌خوانند شرکت کرده و از محضر آنان بهره‌مند شوند.

(۳) دعا را با حالت فریاد نخوانند. و با حالت تضرع و زاری و جذاب بخوانند شان و ادب کلام و فرازهای دعا را که بیشتر آن از معصومین (علیهم السلام) رسیده است رعایت و حفظ کند.

(۴) از خود به کلمات و جملات ادعیه و زیارات اضافه و کم نکند و با سلیقه خود معانی آنها را جابجا نکند همان طوری که دستور داده شده و سفارش شده قرائت کنند. چون دعا اگر به شکلی که آورده شده قرائت نشود مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد (فرمودند: (الدعا مخ العبادة) دعا مغز عبادت است. و برخی عرفا دعا را به گنج تشبیه می‌کنند، مثلاً اگر گفته شده جمله‌ای را سه بار بگویند، کمتر یا بیشتر نشود. مثل این است که به فردی بگویم وقتی از درب خانه وارد می‌شوی سه قدم بردار زیر پایت گنج است و آن فرد بگوید من حال پیدا کرده‌ام می‌خواهم ده قدم بردارم یقیناً بر گنج مقصود نخواهد رسید. لذا در تکرار و تعداد اذکار اسراری است که بر اهل ظاهر پوشیده است. ادله و شواهد و مستندات زیادی داریم که نباید به گفتار معصومین علیهم السلام اضافه یا کم گردد.

(۵) دعا را به اندازه‌ای باید خواند که مستمعین حال پذیرفتن و شنیدن آن را دارند. لازم نیست دعا را حتماً تا آخر بخوانند. باید فهمید که در دعا چه گفته می‌شود و چه می‌خوانیم. آن وقت تأثیر آن بیشتر خواهد بود.

مثلاً اگر در دعای کمیل خوانده می‌شود اللهم اغفر لی الذنوب التي تغیر النعم یعنی خدایا بخش آن گناهانی که نعمت‌ها را بر ما تغییر می‌دهد. با شکل جالب و آهنگ مناسب توضیح داده شود. که چه گناهانی نعمت‌ها را تغییر می‌دهد. گناهانی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد به فرموده امام سجاد (علیه السلام) عبارتند از:

(۱) ستم کردن بر مردم

(۲) دست برداشتن از عادات خیر

(۳) بی‌اعتنایی به معروف

(۴) کفر نعمت و ناسپاسی

(۵) ترك شکر گزاری

۶- اگر قرار است در مجلسی دعا خوانده شود، به روح و روان و سطح فکر و فرهنگ و سواد و موقعیت و غم و شادی و خستگی و سر حال بودن مستمع توجه کنند. مثلاً اگر مجلس ترحیم و یاد بود است و بانی اصرار دارد دعا خوانده شود اینجا صلاح نیست باید مجلس با پند و شعر و روضه اداره شود.

۷) اهمیت و جایگاه دعا را بیشتر از جایگاه سخنرانی و مداحی بدانند زیرا قرآن کریم می‌فرماید اگر دعا‌های شما نبود به شما اعتنا نمی‌کردیم. این مناسب و شایسته نیست که دعاخوانی تحت الشعاع برنامه‌های دیگر قرار گیرد. یعنی طوری شود که همه منتظر سخنرانی یا مداحی باشند و زمان خواندن دعا و زیارت در مجلس حاضر نشوند مخصوصاً در هیئت‌ها. مثلاً سخنران و مداح چه می‌خواهد بگوید که ارزش و بار علمی و معنوی و فرهنگی آن از دعا یا زیارت بالاتر باشد.

۱۲) تسلط بر دواوین شعرا و مطالعه آنها

۱) بدهی است به مصداق و ما ارسلا رسولاً الالبسان قومه کسی که مبلغ است لازم است که زبان و ادبیات خود را بداند و با تفکر ادبی زمان خود آشنا باشد.

متأسفانه جایگاه درسی و ادبیات فارسی طوریست که هر دانش آموزی که در رشته‌های دیگر امتیاز نیاورده باشد به سراغ ادبیات فارسی می‌رود. در صورتی که باید این هم در ردیف رشته‌های ضروری و مهم قرار گیرد. شعر بعنوان یکی از قدیمی‌ترین و قوی‌ترین رشته در ادبیات فارسی است و مردم ایران زمین با شعر و شاعری عجین شده‌اند. بسیاری از شعرای زمان هاتف اصفهانی را کسبه و بازاریان تشکیل می‌دادند و شعر خوانی در قدیم به یک سنت در آمده بود. و بیشتر پیشینیان اشعار سعدی، حافظ، مولوی، و فردوسی و بسیاری از شعرای بزرگ ایران را حفظ هستند و به راحتی قرائت می‌نمایند. در این میان شعرانی که به اشعار مذهبی و در مدح و ثنای اهل بیت (علیهم السلام) یا اشعار عرفانی روی آورده‌اند بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند مثل محتشم کاشانی، صائب، عمان سامانی، شهریار و... البته در زمان خودمان هم نهضت ادبی به برکت انقلاب اسلامی با همه عروج و فرودش و پیدایش شخصیت‌های برجسته ادبی نواقص و مشکلاتی به چشم می‌خورد که از گذشته به ارث رسیده است و هنوز در حال بررسی و اقدام و اصلاح است. شایسته است مداح با فنون و سخنوری فن شعر، داستان، آشنا گردد تا بتواند در سطح قابل قبول و بالاتری مدح و مرثیه سرایی و تبلیغ شعائر مذهبی و عقاید حقه مذهبی انجام دهد.

۲) بسیار مشاهده شده است. برخی از مداحان شعری را می‌خوانند ولی نمی‌دانند از کدام شاعر است.

عزیزان باید توجه داشته باشند که شعرا با چه مشقتی شعر می‌سرایند. لذا باید هم حق شعر را ادا کرد هم حق شاعر را، در برخی از جاها حتی گفتن تخلص شاعر و یاد آوری اسم شاعر نوعی قدردانی است.

فاذا عجز الانسان عن شكر منعم - فقال جزاك اله خيرا فقد كفى د

۳) در برخی از مجالس هم دیده شده است. اشعار شعرای بزرگ را بدون حساب و کتاب و بدون آشنائی با فنون شعر و صنایع و آرایه‌های ادبی جابجا و کم و زیاد می‌کنند گر چه در اصل مسئله جابجایی اشعار سخن زیاد است آیا چنین مجوزی هست یا نه؟ بحث امانتداری مطرح می‌گردد. لیکن این وضع بدون علم و اطلاع از مقررات شعری فاجعه‌ای بسیار بزرگ و خیانت و شعر و شاعری است.

به قول استاد ملك الشعراى بهار

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل - شاعر آن افسون گری کاین طرفه مروارید سفت د

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب - تا که در دلها نشیند هر کجا گوشی شنفت د

۴) مداحان برای تسلط بر اشعار باید اکثر دواوین شعرای ایران اعم از حماسه‌سراها، مثل فردوسی، انوری، خاقانی، عارفانه‌ها مثل: حافظ، صائب، مذهبی‌ها مثل عمان سامانی، شهریار و سایر غالب‌ها و محتوای شعری را در اختیار داشته و برای مطالعه آنها وقت بگذارند که تسلط بر اشعار خواص زیادی است.

که یکی از آنها آشنایی با فن سرودن اشعار می‌باشد.
(۵) اکنون که بازار شعر مذهبی و مداحی و مرثیه خوانی اوج گرفته باید دقت کرد که شعر همانی باشد که اهل بیت (علیهم السلام) معیارهای آن را تعیین فرموده‌اند در این جایگاه شایسته است از رهنمودهای مقام معظم رهبری استفاده کنم که فرمودند:
سنت شعر خوانی برای اهل بیت (علیهم السلام) يك حرکت بزرگ در مقابل يك انحراف بزرگ تاریخی است.

اگر به شعرایی مثل سید حمیری، فرزдық، دعبیل، کمیت و دیگر شعرای مذهبی توجه کنیم می‌بینیم که سطح شعر مذهبی در گذشته خیلی بالاتر بوده و در نوع خود سخت‌ترین و محدودترین شعر بوده است و هر شاعری توانایی سرودن این نوع شعر را بدون کسب سرمایه لازم علمی و معنوی نداشته است.

این دردآور است که هر کس در گوشه‌ای کوس انا المحتشم را می‌زند. و هر کجا می‌رویم نظم‌هایی را می‌شنویم که پر از سرقت مضامین و تکرار تشابیه می‌باشد.
آشنایی با تاریخچه شعر و مطالعه احوالات شاعر و دواوین شعرا این امکان را به مداحان می‌دهد که از اشعار قوی استفاده نمایند البته در این خصوص در فصل اصول مداحی در قالب محتوا و پیام صحبت خواهیم کرد لیکن برای روشن شدن ذهن به این سخن مقام رهبری توجه می‌نماییم.
جامعه مداحان باید از زبان خوب و شعر عالی و محکم و گویا و محتوای اخلاقی، تاریخی و اعتقادی که برگرفته از توحید، نبوت، و ولایت است بهره بگیرد و در بیان دیگر فرمودند سطح فکر مردم را بالا ببرید

(۱۳) احترام به پیشکسوتان و هم نوعان
در این باب سخن بسیار است و دردها فراوان
احترام به پیشکسوت معلم و مربی در اسلام آنقدر سفارش شده است که احترام آنها به اندازه والدین می‌باشد. این حدیث معروف را هم شنیده‌اید:
امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً
یا در جای دیگر می‌فرمایند: الاباء ثلاثة ابا یولدك، ابا یزوجك و ابا یعلمك
مقام معلمی کمتر از مقام انبیاء نیست بالاخره هر کسی برای آموختن علمی یا مستقیماً یا غیر مستقیم به بزرگی اقتدا می‌کند و از آن الگو می‌گیرد. و این حق معلمی است بر گردن متعلم.
در مداحی هم این مقوله مستثنی نمی‌باشد.
لیکن چقدر این مهم در قاطبه مداحان مراعات می‌شود. قضاوت با خود برادران عزیز مداح.
اما يك نکته قابل ذکر است.

احترام به مداحان و پیش کسوتانی که توان مداحی را از دست داده‌اند از ارزش و اعتبار زیادی برخوردار است. ولی متأسفانه بسیاری از برادران مداح جوان به این مقوله کم توجه و در برخی از جاها بی‌توجه هستند. البته این احترام باید متقابل باشد. بزرگان و یا به عبارتی پیرغلامان هم باید الگوهای مناسب برای مداحان جوان باشند تا مردم تصور نکنند که این قشر با هم اختلاف دارند.
چند تذکر:

(۱) خد را برتر از مرثیه خوانهای بزرگتر و سایر مداحان ندانیم و در مقابل بزرگان و پیش کسوتان متواضع باشیم.

(۲) از تحقیر مداحان دیگر جدا خودداری نماییم بارها دیده شده است که عنوان شده که مثلاً روی فلان مداح را کم کردم.

(۳) تجربیات و آموزه‌های خود را در اختیار دیگران قرار دهیم و در این مورد سخاوتمند باشیم که خیر و برکت نزد خداوند است.

که زکوة العلم نشره برخی‌ها برای در اختیار قرار دادن يك بیت شعر هم دریغ می‌نمایند گمان می‌کنند فقط خودشان هستند و بس.

۴) همانطور که از دیگران انتظار احترام داریم باید به دیگران احترام کنیم. موارد متعددی مشاهده شده است که ذاکر اباعبدالله جواب سلام حتی بزرگتر از خودش را هم نمی‌دهد و با بی‌حرمتی از کنار احترام مردم می‌گذرد.

۵) اگر در مجلسی نشیسته‌ایم که مدحی در حال اجرای برنامه است ما بیشتر از همه با حدیث (او بکاء او بیکاء او تباکی را عمل کنیم) بنده فیلم مستند در اختیار دارم یکی از مداحان پیش کسوت که اتفاقاً هم از صدا و هم از سوز کافی برخوردار بوده و همه مستمعین گریه می‌کردند ولی سه تن از هم قطارانمان از اول تا آخر مجلس یا مشغول حرف زدن هستند یا خندیدن. خدا شاهد است که بعد از آن چقدر به ما رجوع و از این عمل ناپسند گلایه و شکوه داشتند همان مستمع دیگر در مجلس آن آقایان نمی‌نشیند یا بی‌تفاوت بوده‌اند ببینید چقدر ضرر دارد.

۶) از غلو در مورد اشخاص و ذکر القاب نامأنوس جداً پرهیز نماییم.

۱۴) انصاف در نقل مطالب و انصاف در توسل و روضه

منظور از انصاف در نقل مطالب و مصائب و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) خودداری از افراط که همان اغراق و غلو است و شدیداً مورد نکوهش حضرات معصومین (علیهم السلام) است و تفریط که همان گفتارهای مادیون شئونات محمد و آل محمد است یعنی اینکه نه آنان را در حد الوهیت که خاص پروردگار است بدانیم و نه آنان را آنقدر پایین بیاوریم که با موجودات دیگر تشبیه و تمثیل بیاوریم و نباید اعتقادات مؤمنین را راجع به اهل بیت (علیهم السلام) بر شک و وسوسه بیاندازیم که ندانند بالاخره راجع به اهل بیت (علیهم السلام) کدام حد را بپذیرند.

امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در آخرین وداع فرموده‌اند ای اهل بیت من پس شکوه مکنید و چیزی بر زبان نیاورید که ارزش شما را بکاهد و در شأن شما نباشد. این هشدار درس مهمی است که مداحان، شعرا و خطبای محترم باید آن را فراموش نکنند. یکی از موارد انصاف در روضه این است که شهادت آن بزرگواران ضعف تلقی نشود زیرا خود امام (علیهم السلام) می‌فرمایند امیدوارم آنچه خدا برای ما اراده فرموده است خیر باشد چه کشته شویم و چه پیروز گردیم. لذا بی‌انصافی است که کسی آنقدر نا آگاه باشد که با معلومات کم بخواهد در بیان و توصیف و ذکر و مدیحه و مرثیه تفریط یا افراط نماید.

انصاف در نقل مطالب شناخت حدود آداب و مقام و شئونات و مراتب اهل بیت (علیهم السلام) است اینکه کسی در حق آنان غلو نکند. و حسین الهی و زینب الهی و اکبر الهی بگوید نه آنقدر آنان را پایین بیاورند که با پرنده و گل و گیاه که همه خلقت برای آنها خلق شده آنان را قیاس و تشبیه کنند.

حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرماید:

آل محمد را با هیچ احدی ابدأ مقایسه نکنید. وقتی قیاس اهل بیت علیهم السلام حتی با فردی غیر از امام صحیح نیست. آن وقت نباید آنها را با سایر موجودات قیاس نمود. چه زیبا گفت شاعر:

دیشب جمال رویت تشبیه ماه کردم - تو به ز ماه بودی من اشتباه کردم د

اما انصاف در توسل و روضه:

معمولاً در بسیاری از جلسات اعم از ایام موالید و وفیات اهل بیت (علیهم السلام)، ختم، مجالس دعا و هیات هفتگی بویژه در شهرهای بزرگ بالاخص تهران بزرگ معمولاً تعداد مداحان زیاد است. بارها دیده شده است برای يك دقیقه بیشتر خواندن برخی از آقایان مداح با هم مقابل چشم صدها نفر نزاع می‌کنند. لازمه رعایت این مهم طهارت نفس، اخلاص در عمل، ادب و شعور بالاست. برادرم چه عیبی دارد اگر مداحی در کنار شما نشسته به او احترام کنید پس از مقدمه و مختصر روضه مجلس را واگذار کنید. اگر عمیق فکر کنیم می‌بینیم لذتی که در گریه کردن و گوش دادن است در خواندن نیست. بارها شنیده شده بسیاری از مقامات به خاطر رفتن منبر اعطا شده است.

در احوالات نظام رشتی نقل کرده‌اند که روضه خوان بسیار قهاری بوده است در بستر احتضار افتاده است. و سخت گریه می‌کند سؤال کردند چرا اینقدر گریه می‌کنی شما این همه اشک برای ابا

عبدالله و اهل بیت (علیهم السلام) از مردم گرفته‌اید فرمودند گریه من برای این است که این گریه گرفتن برای چه بوده است. برای شهرت بود یا خدا، برای خودنمایی بود یا اخلاص. یا در احوالات شیخ ذبیح الله محلاتی گفته شده است. بعد از روزه یکی از مداحان جوان در روز تاسوعا که روزه که روزه ابوالفضل (علیه السلام) خوانده بود و به قول ما مجلسش نگرفته بود آقا روزه موسی بن جعفر خواندند و مردم همه گریه کردند. ولی همگی سؤال برایشان بود که چه اتفاقی افتاده در لحظات آخر عمرش سؤال کردند. فرمودند برای اینکه آن مداح جوان ناراحت نشود، برای اینکه او خراب نشود من دست به این عمل زده‌ام و مزد این عمل را هم گرفته‌ام. بعضی از مداحان آنقدر شهوت دارند که اگر ده نفر مداح هم نشسته باشند دریغ از يك تعارف مردم برای همه حرکات و سکنات ما تحلیل دارند. یا برخی دیگر بعد از اینکه بی‌انصافی می‌کنند و همه مجالس را به تنهایی اداره می‌کنند بعداً دیده شده که تعریف می‌کنند رفتم فلان مجلس چند نفر مداح بودند حال همه آنها را گرفتم مجلس را ریختم به هم به شکلی که هیچ کس جرأت نداشت بعد از من مداحی کند. تو را به خدا آیا این اعمال، کردار و رفتار نزد اهل بیت علیهم السلام ارزش دارد آیا این گونه حرکات مرضی امام زمان (علیه السلام) است. البته در این باب حرف زیاد است ولی چون بنای ما به خلاصه گویی است به همین قدر بسنده می‌نمائیم.

۱۵) احترام و روابط نزدیک با مراجع و علمای دینی در کتاب خاطرات (همفر) جاسوس انگلیسی در ممالك اسلامی دیده‌ام. که یکی از برنامه‌های استعمار برای از بین بردن اسلام بر هم زدن رابطه دوستی مردم با علما و مراجع دینی است در جای دیگر از مشکلات استعمار را دل بستگی و علاقه شدید مردم به عالمان دین بر بنیان عقیده و ایمان می‌داند.

در ادامه اشاره می‌کند در کتاب (چگونه اسلام را نابود کنیم) دستور العملهایی آمده که یکی از این دستورات این است. باید اساس هر گونه رابطه مردم با علمای دین و اساس هر گونه جماعتی را با اشاعه اتهاماتی به علما و مراجع و ائمه جماعات و جمعه بر هم زنیم.

و از استقبال و احترام مردم به این جامعه کاست مخصوصاً لازم است دلایلی بر فسق و فجور علما ارائه داد تا هر گونه رابطه‌ای بین آنها و مردم به سبب سوء زن و دشمنی با آنها از میان برود.

لذا با توجه به اهمیت موضوع توجه عزیزان را به موارد ذیل جلب می‌نمایم. حضور مداحان در پای منابر وعظ و نصیحت حداقل چند دقیقه آخر بسیار اثر گذار است.

متأسفانه مداحان وقتی وارد جلس می‌شوند ابتدا به آبدارخانه می‌روند وقتشان را برای گفتن لطیفه و مزاح و شوخی می‌گذارند ولی حاضر نیستند حتی يك قال الصادق و قال الباقر بشنوند ما اگر تابع ولایتیم مگر نمی‌بینید مراجع ما امام ما، رهبر ما پای منبر شاگردان خود می‌نشیند. از اول منبر تا آخر منبر. پس ما چگونه نمی‌توانیم مگر در مواقعی که واقعاً وقت مداح محدود است و دیر به منبر می‌آید.

۲) وقتی علمای دینی مخصوصاً مراجع و بزرگان این قافله در مجلس حضور دارند برای مداحی یا باید ایستاد یا حتی المقدور بر منبر نباید نشست. روی صندلی باشد و اگر منبر است پله اول را انتخاب نمائیم.

۳) مجلسی که منبری روزه می‌خواند و انصافاً برخی خوب هم می‌خوانند با مقدمه چینی بی‌جا مجلس ساخته شده را خراب نکنیم.

۴) هنگام ختم جلسه برای دعا حتماً به هر روحانی که در مجلس نشسته تعاریف کنیم. گر چه اکثر وعاظ اینقدر بزرگوار هستند که احترام می‌کنند و قبول نمی‌کنند.

۵) همانطور که بسیاری از علما و روحانیون و حتی رهبر انقلاب و مراجع پای منبرهای مداحان که خیلی‌ها فقط سواد خواندن و نوشتن دارند می‌نشینند. این باید متقابل باشد.

۶) باید هر مداحی حداقل ماهی يك بار به دیدن مرجع تقلید خود برود و از او کسب فیض نماید.

۷) یکی از دلایلی که مردم بر مداحان قدیم مثل مرحوم اکبر ناظم، مرحوم علامه حاج احمد شمشیری، و مداحان فعلی حاج غلامرضا ساز کار، حاج علی انسانی و... احترام می‌کنند بخاطر

رابطه آنها با علما و مراجع است اکثر علما و وعاظ تهران در مجمع الذاکرین حسینی که با مدیریت داعینه برادر ارزشمندان حاج غلامرضا سازگار است در ماه مبارک رمضان در فاطمیه و غیره شرکت می‌کنند.

۸) احترام و رابطه متقابل علما و وعاظ و مداحان باعث رونق مجالس اهل بیت و خنثی شدن توطئه بد خواهان می‌شود که الان این شایعه وجود دارد که وعاظ و مداحان چشم دیدن یکدیگر را ندارند. ۹) تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در رابطه با علمای دین این اهمیت را دو چندان می‌کند. ۱۰) یکی از جاهایی که عمر انسان تباه می‌شود بی‌احترامی به علمای دین است که در کتاب ارزشمند معادشناسی علامه فقید محمد حسین حسینی طهرانی رضوان‌اله در جلد چهارم در حدیث معروف سلمان، پیامبر فرمود یا سلمان یکی از علائم آخرالزمان این است که مردم احترام بزرگان و عالمان دینی را پاس نمی‌دارند.

و در حدیثی دیگر می‌فرمایند: بی‌احترامی بر عالمان دین باعث کوتاه شدن عمر می‌شود. بخش اول آداب مداحی به پایان رسیده است گرچه آداب مداحی در این چند بند خلاصه نمی‌شود و برای ذکر همه آداب و اعمال و رفتار مداحی اهل بیت علیهم السلام باید به طور مستقل چند جلد کتاب نوشته شود اما چون وعده و بنای ما خلاصه‌گویی است انشاءالله همین چند مورد اگر توجه و مراعات شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و امیدواریم عزیزان علاقه‌مند پیرامون این فصل یعنی آداب و اخلاق مداحی بیشتر مطالعه نمایند.

بخش دوم: اصول مداحی اهل البیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)
برای این بخش و تبیین اصول مداحی در صدد برآمدیم از بیانات ارزشمند و گرانمایه مقام معظم رهبری که در جمع مداحان اهل البیت در سالروز ولادت حضرت صدیقه اطهر (س) در سالهای ۶۳ تا ۷۰ مطرح فرموده‌اند بدون دخل و تصرف تقدیم علاقه‌مندان نمائیم.

۱- اصل محتوا در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

یکی از چیزهایی که باید در اشعار مداحان باشد مفاهیم بلند اسلامی در باب توحید یا در باب نبوت است. و بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت همین مدایحی است که شعرای بزرگ ما در مقدمه دیوانها و مثنوی‌هایشان گفته‌اند. انسان حقیقتاً با مضامین قوی و روشنگر این اشعار پیغمبر (ص) با امام (علیه السلام) یا فاطمه زهرا (سلام الله علیهما) را می‌شناسد. البته آن طور که باید نمی‌شود شناخت و ما نمی‌توانیم آن بزرگواران را درست بشناسیم لکن در آن حدی که ممکن است می‌توان آنها را شناخت. مثلاً راجع به امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی شعری خوانده می‌شود ما آدمهای پایین و متوسط هم مقام معنوی علی (علیه السلام) یعنی آن چیزی که ما خبر کمی از آن داریم هم عبادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هم مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم عدل او، هم ضعیف پروری او، هم دشمن ستیزی او و هم جهاد او را می‌توانیم بشناسیم. ما وقتی پانزده سال، بیست سال پیش این حرفها را می‌زدیم، خیلی‌ها می‌شنیدند، اما نمی‌فهمیدند ما چه می‌گوییم. می‌گفتیم فقط نپردازید به خط و خال خیالی چهره ائمه (علیهم السلام). در تعریف زلف امام (علیه السلام) یا ابروی امام (علیه السلام) و یا چشم امام (علیه السلام) شعرهایی می‌خواندند، حال اینکه اینها تعریف نیست. حالا اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ابرویش کمانی باشد یا کمانی نباشد، در شخصیت او چه اثری می‌گذارد؟ زلف او افشان باشد یا نباشد، مگر چه اثری می‌گذارد که بیایم در قصیده‌ای راجع به امیرالمؤمنین را زلف آن حضرت بگوئیم؟ آن وقت می‌گفتند و می‌خواندند، لکن اکنون به نظرم کم شده و انشاءالله که این چیزها حالا نباشد. وقتی می‌گفتیم آقا اینها را چرا می‌گویید؟ تعجب می‌کردند و می‌گفتند که پس چه بگوییم؟ آن روز وقتی می‌گفتیم آقا از مسائل زندگی علی بگوئید، از برجستگی‌های علمی او بگوئید برایشان روشن نبود. اما امروز برای همه، زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) روشن است. زهد او در زمان حکومت، چیز کمی نیست که یکی نفری حاکم باشد و تمام لازمه قدرت در کف اقتدار او باشد، بیت المال دست او باشد، قدرت دست او باشد، شمشیر دست او باشد، نفوذ کلمه دست او باشد، اما زندگی شخصی‌اش آنچنان باشد که خود او به یاران نزدیکش بگوید شماها نمی‌توانید مثل من زندگی کنید. آنقدر سخت است که به عثمان بن حنیف می‌گوید: الاوانکم لا تقدرون علی ذلک. آن وقت غذایش به گونه‌ای باشد که راوی از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به قنبر خادم آن حضرت بگوید: چرا این غذا را به این پیرمرد می‌دهی؟ علی (علیه السلام) پیرمرد شده چرا این نان جوین سخت خشک را به مرد شصت ساله می‌دهی؟ قنبر در جواب گفت این کار را من نمی‌کنم، بلکه خود او این نان را داخل کیسه‌ای می‌گذارد و کیسه را می‌بندد، گاهی هم مهر می‌کند که کسی باز نکند نان را با روغن مخلوط کند.

این بعد از زندگی حضرت را بیان کنید تا مقایسه بشود بین امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خصوم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تاریخ و امروز. آن کسانی که امروز در دنیا داعیه حمایت از مظلومان و مستضعفان و ملت‌ها و آزادی و حقوق بشر دارند، چگونه زندگی می‌کنند؟ آیا در جوامع آنها فقیر و مستمند نیست؟ آیا سرگرسنه‌ای بر بالین نهاده نیست؟ امروز شما این چیزها را خودتان می‌توانید خوب تصور کنی و بعد برای دیگران به تصویر در آورید. جهاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از همان اول، از دوران کودکی، از یازده سالگی یا دوازده سالگی و تا آخر عمر با دشمنان خدا مشغول مبارزه بود و در این راه جان داد خیلی چیز مهمی است. این را يك شاعر بسیار خوب می‌تواند بیان کند و يك گوینده به خوبی می‌تواند در ذهن مردم و تا اعماق دل و جانشان نفوذ بدهد. این پیوند عاطفی خودتان با ائمه (علیهم السلام) و مسائل اخلاقی را حفظ کنید. از لحاظ مضمون باید سه رکن در مدح شعر خواننده و مداح وجود داشته باشد. من از آقایان مداحان محترم خواهش دارم در رکن اول هم چون روش سابق و معمول مداحان ابتدا غزل و قصیده را برگزینند که در آن از اخلاق انسانی

ذکری شده باشد، آن هم به روش مناسب و صدای خوب شما تا مردمی که گوش می‌دهند کاملاً تحت تأثیر قرار بگیرند. در رکن دوم، معارف اسلامی را از توحید و از انقلاب و از مسائل انقلاب و مسائل مربوط به زندگی ائمه، از ابعاد مبارزه و ابعاد انقلابی مطرح کنند، و در رکن سوم هم که ذکر مصیبت است باید البته با بعد انقلابی مطرح بشود، و حتماً باید مصیبت ذکر بشود. گاهی در بعضی از روضه خوانی‌ها مصیبت اصلاً ذکر نمی‌شود. مصیبت یعنی آن واقعه‌ای که اتفاق افتاده باید تشریح شود. جامعه مداح باید از زبان خوب، شعر عالی و محکم و گویا و محتوای خوب، شعر اخلاقی، تاریخی و اعتقادی، شعر مربوط به توحید و نبوت و ولایت که درباره همه اینها شعر هست بهره بگیرد. در زبان فارسی از شعرای قدیم گرفته تا شعرای امروز، آنقدر شعر خوب و حکمت‌آمیز وجود دارد که اگر کسی بخواهد ده سال تکراری نخواند می‌تواند در تمام موضوعات شعرهای خوب و حکمت‌آمیز اعم از اعتقادی و اخلاقی و مصیبت و مدح و مسائل اجتماعی و مسائل انقلاب و امثال اینها را بیرون بیاورد. نکته‌ای دیگر انتخاب شعر یا مضمون و آهنگ است. آقایان باید شعرهای خوب را انتخاب کنند. البته شعرهایی که خوانده شد خوب بود و من می‌پسندم. بعضی از آنها خیلی خوب بود. گاهی دیده می‌شود برای مردمی که سرا پا گوش هستند شعر را از نظر آهنگ خیلی زیبا می‌خوانند اما از نظر مضمون خیلی ضعیف و پیش پا افتاده است، مردم را تحت تأثیر هم قرار می‌دهد، اما این کافی نیست. شما اگر شعر قوی خوش مضمون، صحیح و محکم و متقن را که مضمون خوبی داشته باشد بخوانید، سطح فکر مردم را بالا می‌برید. در کار مداحی حتماً باید سه رکن رعایت شود. یکی مسائل اخلاقی است که حالا دارد فراموش می‌شود. یک روزی بود که خود ما خیلی با طرح مسائل اخلاقی در منبر موافق نبودیم. من وقتی دیوان صائب را با تجدید چاپ دریافت کردم با اینکه دیوان صائب را سال‌ها پیش مکرر نگاه کرده دیدم چقدر غزل اخلاقی بسیار جالب در این دیوان هست که باب شماس است. این چیز خیلی مهمی است و هیچ شاعری بهتر از این نگفته است. بنده قرص و محکم عرض می‌کنم که بهتر از آنچه من در دیوان صائب دیدم البته از مجموع آنچه که شعرای سبک هندی گفتند هیچ کس نگفته است. مطلب دیگر راجع به تصویر دنیا از نظر انسان است. آن دید ظریف و مو شکاف به سبک هندی شعر صائب خیلی قیمت دارد و شما وقتی يك بيت از آنرا بخوانید دلها را منقلب می‌کنید مثلاً؛ از رباط تن چو بگذشتی دگر معموره نیست. این سفری که در دنیا سیر می‌کنیم آخرین رباط ما است آخرین کاروان سرای ما است. از رباط تن چو بگذشتی دگر معموره نیست. زاد راهی بر نمی‌داری از این منزل چرا؟ شما ببینید چه طور این شعر انسان را منقلب می‌کند. و هزاران بیت از این قبیل است. قسمت دیگر معارف اسلامی ماست که امروز با معارف انقلابی که ما به آن سیاست می‌گوییم انطباق پیدا می‌کند. هیچ شعری نباید از این مطالب خالی باشد اینها معارف اسلامی است. این هیئات منا الذله را که امروز به زبان مردم افتاده است و در زمان طاغوت کمتر بر زبانی جاری می‌شد فراموش نکنید. آن موقع چون واقعاً همه ذلیل بودیم هیئات نداشت. ذلیل اجانب و استکبار ذلیل دربار، ذلیل دولت ذلیل ساواک ذلیل پلیس نقش خودمان همه ذلت بود همه زور می‌گفتند خودمان هم با خودمان زور می‌گفتیم و لذا این جمله بر زبانی جاری نمی‌شد اگر هم کسی می‌گفت خیلی جدی نبود گاهی از اوقات که از زبان مرحوم مدرس یا آیت الله کاشانی و شخصیت‌هایی از این قبیل يك كلمه از این قبیل كلمه‌ای نقل می‌کردند که مثلاً مرحوم کاشانی می‌گفت. چقدر برای ما بزرگ می‌آمد و تعجب می‌کردیم که اینها این قدر جرأت داشتند عزت را در عمل‌شان تجسم دادند که این كلمه را گفتند و ذلت را قبول نکردند. شما حالا نگاه کنید جامعه ما يك زبان و يك صدا در مقابل همه استکبار عالم این سر بلندی و عزت را نشان می‌دهد و این هیئات منا الذله را در عمل نشان می‌دهد.

۲- اصل پیام در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

شما برادران عزیز باید پیامی را که آن پیام همیشه به مداحان اهل بیت (علیه السلام) ارزش می‌داده همواره حفظ کنید. و آن پیام، پیام حفظ دین حق الهی در سایه ولایت اهل بیت (علیه السلام) و مبارزه با دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و مبارزه با دشمنان حق و تمامی طواغیت و عصیانگرانی است که در مقابل حق قرار دارند. این پیام باید حفظ شود. کسانی در دشوارترین دورانهای تاریخ اسلام، پرچمی را بر دوش گرفتند که هر کس آن پرچم را که پرچم ولایت حقیقی

اسلام و پرچم آئین حق است پرچم قرآن ناطق است، بر دوش می‌گرفت باید شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کرد. مسئله این بود که مثل کمیته‌ها و فرزدق‌ها و سید حمیری‌ها و دعبل‌ها و از این قبیل کم نبودند و فقط این نبود شعری را بر اساس عقیده‌شان بگویند و برای چند نفر بخوانند بلکه مساله این بود که شعر آنها حامل يك پیام و حامل يك رسالت بود چیزی را می‌خواست به مردم تعلیم بدهد، علت اینکه کمیت تحت تعقیب قرار می‌گرفت و دعبل می‌گفت من پنجاه سال است که بار خود را بر دوش می‌کشم، همین پیام شعر آنها بود. من انتظار دارم برادران پیام را هیچ وقت فراموش نکنند، شما که الحمدلله برگزیدگان هستید در سراسر کشور بایستی به مداحان و همه کسانی که در این رشته و در این میدان وارد هستند این مطالب را توصیه کنید و به صورت قطعی در آورید. در شعری که می‌خوانید حتماً پیام را رعایت کنید. اولین چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد، پیام است و پیام، هم در مصیبت، هم در مدح و هم در اخلاقیات وجود داشته باشد. این به عهده شماست که همچنان استوار و قوی اشعاری را که از لحاظ زبان و معیارهای شعری در سطح بالا و در عین حال حامل پیام انقلاب باشد بسرایید و عزای اسلامی را با مدایح خود و با ذکر پیامی که همه پیامبران (ص) و اولیا و اوصیا داشتند و مادحان آنها هم باید داشته باشند مزین کنید یعنی پیام دفاع از حق و مبارزه با باطل، که امروز دنیا را فرا گرفته است. یکی از شعرای معروف دوران بنی امیه و بنی عباس بنام بشاربن برد می‌گوید: خدا رحم کند که سید حمیری آن شاعر بزرگ اهل بیت (علیه السلام) به سرودن اشعار مکتبی نپرداخت، والا اگر قرار بود او هم مثل ما مدح و غزل بگوید و به خلفا تقرب جوید چیزی و جایی برای ما باقی نمی‌ماند. و این خود نشان می‌دهد که شاعر اهل بیت (علیه السلام) از لحاظ میزان شعری در پایه‌ای قرار دارد که بشاربن برد یکی از شعرای طراز اول که آنطور که من احساس می‌کنم و می‌فهمم او در طبقه دوم و دوره دوم شعرای صدر اسلام نفر اول است. او را کسی مثل سعدی و حافظ فرض کنید می‌گوید اگر قرار بود همان شعرهایی که ما می‌گوییم و همان مضمون‌هایی که ما به کار می‌بریم و آن تقریبی که ما به خلفا می‌جویم سید حمیری هم وارد این میدان می‌شد و حاضر بود به این حرف‌ها تن دهد، برای ما جایی و مقامی باقی نمی‌ماند و همگی به او اختصاص پیدا می‌کرد او این طور به فضیلت و عظمت سید حمیری اعتراف می‌کند. حالا این سید حمیری چه کسی است؟ سید حمیری کسی است که خواندن اشعارش در مجلسی سه نفره بدان خاطر که حامل پیام است، ممنوع بود. مسئله این است و شما پیروان این سلسله هستید و شجره شما به مداحان اهل بیت (علیه السلام) یعنی آنها می‌رسد.

۳- اصل در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

بحمدلله جان مردم و وجودشان به عشق و محبت اهل بیت (علیه السلام) آمیخته است و برای شما بلبلان گلزار اهل بیت (علیه السلام) این فرصت است که عواطف و احساسات مردم را سیراب کنید.

از مداحی باید برای پراکندن بهترین معارف اسلامی در باب اهل بیت (علیه السلام) استفاده کنید این محبت که مردم دارند بایستی در خواندن شما و گفتن شما عمیق و ریشه دار و تند و آتشین و بر افروخته بشود. تشیع آیین محبت است. خصوصاً محبت خصوصیت تشیع است. کمتر مکتب و مسلکی و دین و آیینی و طریقه‌ای را مثل تشیع پیدا می‌کنید که این قدر با محبت سر و کار داشته باشد. و علت این که فکر تشیع تا امروز با وجود آن همه مخالفتی که با آن شده است باقی مانده، این است که ریشه در زلال محبت دارد. تشیع دین تولی تبری است، آیین دوست داشتن و دشمن داشتن است و عاطفه در آن، با فکر هماهنگ و هم دوش است و اینها خیلی مهم است. محبت اصل سحرآمیز عجیبی است. اگر محبت در تشیع نبود، این دشمنی‌های عجیبی که تاکنون با شیعه شده بود آنها از بین می‌برد. همین محبت شما و محبت این مردم به حسین بن علی (علیه السلام) ضامن حیات و بقای اسلام است و این معنی همان فرمایش امام (ره) است که می‌فرمودند: عاشورا اسلام را زنده نگه داشت؛ ایام فاطمیه هم همینطور است، ولادت پیغمبر (ص) هم همینطور است. شما باید با استفاده از این هنر این محبت را در میان مردم عمق ببخشید، تر و تازه نگاه دارید و برافروخته کنید.

بسیاری شعرا هستند که شعرشان بلند است، اما آن چرا که در مدح فلان وزیر یا فلان کاتب یا فلان پادشاه گفته‌اند، آب و رنگ حقیقی يك اثر هنری را ندارد و مشخص است که عاطفه همراهش نیست بر خلاف آنچه که همین شعرا برای اهل بیت (علیه السلام) گفته‌اند: یعنی سروده آنها برای اهل بیت (علیه السلام) عاشقانه است. و شعر حقیقی این است.

مگر نمی‌گوییم حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کاری کرد که سوره هل اتی درباره او و فرزندانش نازل شد اینار نسبت به فقرا كمك به محرومان به قیمت گرسنگی کشیدن خود، و یو ثرون علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة ما هم باید همین کارها را بکنیم. این نمی‌شود که ما دم از محبت فاطمه زهرا (س) بزنیم در حالی که آن بزرگوار بخاطر گرسنگان، نان را از گلوئی خود و عزیزانش مثل حسن و حسین (علیه السلام) و پدر بزرگوارشان برید و به آن فقیر داد آنهم نه يك روز نه دو روز بلکه سه روز، ولی ما که پیرو يك چنین کسی هستیم، نه فقط نان را از گلوئی خود نمی‌بریم تا به فقیر بدهیم، بلکه اگر بتوانیم نان را از گلوئی فقرا هم می‌بریم این روایاتی که در کافی شریف و بعضی از کتب دیگر در باب علامات شیعه هستند ناظر به همین است که شیعه بایستی آنگونه عمل بکند. ما باید نمایانگر زندگی آنها رد زندگی خودمان باشیم ولو به صورت ضعیف، البته ما کجا و حتی از ما بزرگترها کجا و آن آستان بلند کجا؟ معلوم است که ما حتی به محدوده دور دست زندگی آنها هم نمی‌رسیم، اما ما باید تشبیه به آنها کنیم اینکه ما در نقطه مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم و آن وقت ادعا کنیم جزو موالیان اهل بیت هستیم چنین چیزی ممکن نیست فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوارمان از دشمنان این ملت که امام دائم علیه آنها حرف می‌زد تبعیت می‌کرد، آیا می‌توانست بگوید من تابع امام هستم؟ آیا اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر شد به او نمی‌خندیدند؟

عیناً همین قضیه در باب اهل بیت (علیه السلام) مطرح است و ما باید شایستگی خودمان را ثابت کنیم. آقایان در این شعرهایی که می‌سرایید و در این بیانات و گفته‌ها که در مراسم و محافل، محبت فاطمه زهرا (س) را در دلها می‌گنجانید، چند بیت هم از دستورات و احادیثی که از آن بزرگوار درباره نماز و مسائل گوناگون دینی نقل شده چاشنی آنها کنید، یا اگر شعر هم ندارید، به زبان نثر بگوید تا محبتی که فاطمه زهراء (س) در دلها دارد با بیان شما مشتعل شود. به قول صائب که می‌گوید:

عشاق را به تیغ زبان گرم می‌کنیم - چون شمع تازیانه پروانه‌ایم ما د
این وصف حال شماست که آن محبت را در دلها برمی‌انگیزد و لذا باید از آن برای فرا گرفتن دو کلمه از معارف زهرا (س) استفاده بشود.

۴- اصل عزت و مبارزه در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

مگر نمی‌گوییم حضرت فاطمه (س) با حال نا توان به مسجد رفت تا احقاق حق کند؟ ما هم باید در همه حالات تلاش کنیم تا حق را احقاق کنیم، ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمی‌گوییم يك تته در مقال يك جامعه بزرگ زمان خود ایستاد؟ ما هم باید همان طور که همسر بزرگوارش فرمود: لا تستحشوا فی طریق الهدی لقله اهله. از کم بودن عده‌مان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم و تلاش کنیم.

استاندار کوفه به بهانه خیلی مبتذلی دستور داد کمیت را بعد از اینکه سالیان متمادی در بدر و متواری بود دستگیر کردند و کشتند و در همان حال پسرش را خواستند که بیا جنازه پدرت را ببر. پسر دید پدرش هنوز نفس دارد و چیزی می‌گوید: گوشش را نزدیک برد دید می‌گوید اللهم صل علی محمد و آل محمد یعنی خدایا اینها برای کشتن من بهانه گرفتند اما تو می‌دانی که برای چه مرا کشتند اللهم صلی علی محمد و آل محمد دعبل خزاعی نیز دهها سال متواری بود، دهها سال در بدری شوخی نیست. آنهایی که در رژیم ستم شاهی و در زیر بار آن سختی‌ها چند صباح متواری بوده‌اند می‌دانند دهها سال در بدری یعنی چه. دهها سال تبعید و دهها سال يك شب را تا به صبح با اطمینان به سر نبردن خیلی سخت است. هیچ خلیفه‌ای در زمان دعبل نیامد، مگر اینکه دعبل داغ باطله‌ای از شعر خود بر پیشانی آن خلیفه کوبید که تا به امروز هم آن داغ باطله باقی است. هارون، امین، ابراهیم بن مهدی آن خلیفه چند ماهی بین امین و مامون و مامون و بعد هم معتصم،

همه اینها را دعبل مثل يك كوه استور از سر گذراند و برای هر کدامشان بر يك كتيبه پاك نشدنی در تاریخ، يك نقش زشتی کشید که از دهها سخنرانی برتر بود. البته او را رها نکردند و عوامل جنایتکارشان را فرستادند و او را ترور کردند.

یکی از شعرای معروف عرب به نام کثیر عزه از مخلصین و دوستداران ائمه (علیه السلام) و جز کسانی بوده است که حاضر نبوده‌اند در راه دین حق، از جان و از آسایش خود سرمایه گذاری کنند و لذا با این و آن هم سروسری داشتند، لکن اما (علیه السلام) این را قبول نمی‌کند. امام باقر به کثیر عزه رو کردند و گفتند: امتدحت عبدالملك، تو عبدالملك را مدح کردی؟ کثیر بنا کرد به عذر خواهی کردن که من اینطور به او نگفتم بلکه اینچنین گفتم، که خیلی ارزش ندارد.

حضرت تبسمی کردند و بعد به کمیت رو کردند. گویا می‌خواستند به کمیت بگویند حالا تو جوابش بده.

کمیت بلند شد و آن قصاید هاشمیات را شروع کرد به خواندن. مادح اهل بیت (علیه السلام) باید پیام اهل بیت (علیه السلام) را هم داشته باشد و پیام اهل بیت (علیه السلام) مبارزه است.

چه بهتر که شعر با آن زبان مردمی و با آهنگی که شما می‌سازید و با استفاده از شگردهای صمیمانه‌ای که شما در اختیار دارید به مردم تزیق و تلقین شود. به آنها بیاموزید که امروز دشمن ما آمریکا است، استکبار جهانی است. ما در حقیقت با يك قدرت علی الظاهر قوی (اگرچه علی الباطن ضعیف است چون از تائید الهی برخوردار نیست). داریم می‌جنگیم و مبارزه می‌کنیم امروز هیچ چیز از نظر مبارزه و جبهه بندی با قبل از انقلاب فرق نکرده است آن روز آمریکا با تصویر شاه و دستگاههای شاه جلوه‌گر شده بود لکن امروز آمریکا چون می‌بیند نوکرهایش بیرون رفته‌اند و ملت متشکل و مسلح و مجهز شده است با آن چهره واقعی خودش که از چهره شاه به مراتب کریه‌تر است جلوه‌گر شده است.

مبارزه همان مبارزه است و ما هیچ احساس نمی‌کنیم مبارزه تمام شده باشد. امروز تصور ما این نیست که بگوییم حالا بحمدالله راحت شدیم و باید دیگر زندگی کنیم. ابداً چنین چیزی نیست. همان احساسی که آن روزها در مقابل ساواک و مأمورین مزدور شاه و عاملین جرایم آنها داشتیم امروز هم صد برابر شدیدتر در مقابل آمریکا و استکبار جهانی داریم. آن روز مبارزه می‌کردیم، امروز هم باید مبارزه کنیم. و برای این مبارزه هم خودمان باید آماده شویم و هم مردم را آماده کنیم. آمریکا را به مردم بشناسانید. هر صحبتی که می‌کنید و هر منبری می‌روید و هر جا می‌خوانید، یزید این روزگار و شمر این روزگار و بنی امیه و استثماریان این روزگار را مشخص کنید. به مردم بگویید که امروز صف مبارزه و جبهه مبارزه چگونه ترسیم شده است. امروز در دنیا کمتر نظامی و کمتر مسئولینی وجود دارند که در چشم محافل سیاسی مهم دنیا به قدر نظام و مسئولین جمهوری اسلامی عظمت و عزت و آبرو داشته باشند. یعنی دنیا روی خواست، اشاره و حرفهای ما حساب می‌کند و کوشش می‌کند که حرف مسئولین این نظام در مسائل سیاسی منطقه رعایت شود. حواسشان جمع است. چرا؟ مگر مسئولین اسلامی چه دارند؟ مگر سی، چهل سال سابقه سیاستمداری و حکومت کردن و کارهای دیپلماسی دارند؟ یا ثروتها و اندوخته‌های مادی دارند؟ این برای خاطر شعارهای انقلابی و برای خاطر موضعگیری انقلابی این مردم انقلابی است. من این را در برخورد با مسئولین کشورهای دیگر اعم از آنهایی که اینجا آمدند یا آن جاهایی که ما رفتیم، در مجامع جهانی و در مجمع غیر متعهدها به وضوح احساس کردم و بدون استثنا با کسانی که ملاقات و برخورد داشتم، با احترام فوق العاده مسئولین آنها روبرو شدم که فوق احترامات معمول و متداول بود و متوجه شدم به ما به عنوان يك مسئول نظام جمهوری اسلامی با اهمیت خاصی نگاه می‌کنند. وقتی انسان مسأله و مبانی اسلامی است. همین (هیئات منا الذله) به اصل توحید و همین. لای که در لا اله الا الله هست، به لا گفتن به همه دنیا بر می‌گردد. وقتی يك ملتی این جور برخورد می‌کند و فشارها و اخمها و شدتها و قدرت نمایی‌ها و گردون کلفتی‌ها و عربده کشی‌ها زور و زر برایش ارزشی ندارد و به همه آنها (لا) می‌گوید، عزیز می‌شود. این نشانه همان توحید

است. توحید یعنی خدا را عبودیت کردن و لا غیر. همچنین درباره معارف اسلامی و معرفت ائمه (علیه السلام) باید بیش از سابق به مسائلی توجه و تکیه کنیم که برای مردم آموزنده است. البته یاد کردن از گوهر پاک و طینت آسمانی و ملکوتی ائمه (علیه السلام) چیز خوبی است و اشکالی ندارد، اما به زندگی ائمه (علیه السلام) هم بپردازیم. من در صحبت‌های متعدد خود در سال گذشته راجع به عنصر مبارزه در زندگی ائمه (علیه السلام) این عنصر فراموش شده گفتم ائمه (علیه السلام) برای احیای جوامع خود زهر نوشیدند ما باید ببینیم دستگاه‌های ظلم چرا ائمه را مسموم می‌کردند؟ اگر کسی مبارزه نکند کاری با او ندارند. ما هم اگر هم اکنون با استکبار مبارزه کنیم کاری با ما ندارند. لکن اسلام اجازه نمی‌دهد مبارزه نکنیم. اسلام دین مبارزه با استکبار و شرک و شیطان است و برای این است که مبارزه می‌کنیم. اسلام دین مبارکه با استکبار و شرک و شیطان است و برای این است که مبارزه می‌کنیم. آنها همچون با اسلام نمی‌توانند بسازند، عکس العمل نشان می‌دهند. ائمه (علیه السلام) این طور بودند. شما هم باید این بعد از زندگی ائمه (علیه السلام) را در شعرها منعکس کنید.

در زندگی امام سجاد (علیه السلام) ابعادی وجود دارد که باید شناخت و درباره آنها شعر گفت و اگر شعرهایی هم هست باید پیدا کرد و به مردم شناساند. زندگی امام سجاد (علیه السلام) که ۲۰ سال مبارزه کرد و آن خطبه معروف را در شام ایراد نمود و آن شورش و انقلاب را در دنیای اسلام به وجود آورده مگر می‌تواند از حماسه خالی باشد؟ و لذا جستجو کنید و حماسه‌ها را بیابید، زیرا امروز ملت ما و همه ملت‌های دنیا به این حماسه‌ها نیاز دارند.

امروز می‌بینید که وضع دنیا چگونه است؟ این کاخ‌های ساخته شده گر چه مرفه و خیلی پر زر و زیور است، اما با پایه‌های مقوایی بنا شده و دارد یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد، شوروی، امپراطوری بزرگ به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری آنچنان فرو ریخت و در هم پیچید و بلکه اصلاً نابود شد و مثل همین فعل و انفعال، الان در بعضی جاهای دیگر دنیا هم دارد انجام می‌گیرد، منتهی يك مقداری زمان می‌طلبد تا آشکار شود. این تمدن‌ها و زر و زیورهای ضد حق دارند مضمحل می‌شوند. بله، باید بنای حق مرتفع باشد اما خیال نکنید اگر باطل از بین رفت بخاطر زوال پذیری او است و حق بخودی خود و بدون تلاش در دنیا علم خواهد شد، ابداً چنین نیست، بلکه اگر باطلی از بین رفت باطل دیگری سر کار خواهد آمد، مگر آن وقتی که حق خودش را عرضه کند. کما اینکه باطل‌ها در دنیا دارند پشت سر هم می‌آیند و می‌روند طبیعت و باطل زایل شدن و از بین رفتن است، اما گمان نشود که باطل اگر از بین رفت، اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت و زحمت کشیدن من و شما ممکن است در دنیا جایگزین باطل‌ها بشود این بستگی دارد به اینکه من و شما چکار کنیم؟ پس باید از اهل بیت (علیه السلام) همچنان درس گرفت و این درسها را به مردم داد و همچنان تربیت کرد تا بر اثر کوششها حق جانشین باطلها بشود.

۵- اصل واقعیت و تعقل در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

بنای ما بر این نیست که هرچه را در آن شك داریم یا قبول نداریم بگوییم نخوانند. اگر ما بخواهیم بگوییم آقا این دقیق نیست نخوانید، می‌ترسم برادران و در خواندن خیلی محدود بشوند. توجه داشته باشید آن چیزی را بخوانید که معقول باشد. البته نه اینکه انسان هر چه معقول است از خودش بسازد و بخواند، بلکه چیزهای معقول را متکی به اصول و واقعیتها کنید. البته گزاره هر حدیثی وقتی هنری باشد با پیرایه‌هایی همراه خواهد بود و آن پیرایه‌ها ایرادی ندارد. منتها مشروط بر اینکه پیرایه‌ها اصل نشود. اصل را بایستی از واقعیتها گرفت و به آن بیان هنری و پیرایه‌هایی که لازم است بخشید.

۶- اصل ذکر مصیبت در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

ذکر مصیبت يك چیز قهری اس که حتماً باید انجام بشود. بنده گاهی می‌بینم در مصیبت حضرت علی اکبر و علی اصغر و مسائل گوناگون کربلا، کلمات و تعبیراتی چه از طرف مداح که احساسات خودش را بیان می‌کند گفته می‌شود. گاهی احساسات را از زبان خودش بیان می‌کند و گاهی از زبان آن بزرگواران بیان می‌کند. اینها ذکر مصیبت نیست. آنچه را در کربلا گذشت بایستی بیان کرد و این حادثه نباید فراموش و مرده شو. این حادثه باید زنده

بماند. زیر حادثه را باید بگویید. هر شبی در هر جلسه‌ای که روضه بزرگواری خوانده می‌شود ماجرای او باید گفته شود حالا یا به زبان شعر یا به زبان نثر، این يك بحث مفصلی است که باید با روضه خوانها و منبری‌هایی که روضه می‌خوانند بیشتر در میان گذاشته شود والا برادران مداح بها حدود زیادی مراعات می‌کنند. این امر، هم از جهت محتوا و مضمون و هم از نظر شعر سرایی هر چه بهتر و هنری‌تر باشد تأثیرش بیشتر است و دل مستمع را بیشتر جذب می‌کند.

۷- اصل تفهیم در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

یکی از اصول مهم در مداحی تفهیم است. هر آهنگی و هر آوازی به درد شما نمی‌خورد. آهنگ و آواز خاصی به درد شما می‌خورد. آن هم با شیوه بیان خاص مداحی. مردم زبان شعر را بیشتر می‌خواهند، اما مثل زبان نثر نمی‌فهمند به خصوص اگر شعر بالایی باشد. شما باید این را بفهمانید و فهماندش هم فقط به این نیست که آدم با صدای خوب بخواند. چون خیلی‌ها شعر را با صدای خوب می‌خوانند ولی مستمع نمی‌فهمد که چه می‌گویند. پس باید بفهمانید. و این فهماندن همان هنری مداحی است. اگر شعر را با هنر خواندن برای تفهیم که البته غالباً با صدای خوب هم همراه است و اگر صدای خوب هم نباشد همان کیفیت خواندن، جبران صدا را هم می‌کند ارائه دهید، گاهی خیلی از خودش صدا ممکن است بهتر و جا افتاده‌تر و شیرین‌تر تلقی بشود.

اگر فرض کنیم ما ابیاتی را در مقامات معنوی فاطمه زهرا (س) بگوییم که مستمع مان چیزی از آن نفهمد و سر در نیآورد، معلوم نیست که او را به فاطمه زهرا (س) نزدیک کند. ما لازم است به این خانواده روزبروز نزدیک و نزدیک‌تر بشویم، و ملت ما از این طریق خواهد توانست به رسالت خودش عمل کند. این ملت، این چنین می‌تواند آن پیام بزرگ را به دنیا برساند.

۸- اصل زمان در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

من خیلی خوشحالم از اینکه الحمدلله می‌بینم شعر شما، سرود شما، آهنگ شما و اقدام شما با پیشرفت‌ها و نیازهای زمان هماهنگ شده است. این را باید ادامه دهید. در گذشته مداحان قبل از اینکه شروع به خواندن روضه کنند معمولاً يك چیز اخلاقی می‌خواندند اخلاقیاتی که فرضاً ۳۵ سال قبل از این من یادم می‌آید و كوچك بودم و می‌شنیدم. درست است که آن اخلاقیات خوب بود اما اخلاق امروز نیست. آن روز گفته می‌شد مثلاً سلام را بلند بگویید و به همسایگانتان نیکي کنید، امروز باید شما به مردم بیاموزید که مردم ایثار و فداکاری کنند و از تحمل پرستی و زیاده روی در مصرف خودداری نمایند و قناعت کنند. آن روز قناعت يك معنی داشت و امروز با توجه به مسائلی که نظام جمهوری اسلامی با آن رو بروست قناعت معنای دیگری دارد. بخش سوم: نکاتی درباره اشعار و مدایح

۱- شعر و مدح مطلوب

برای اینکه انسان شعر خوب بگوید اخلاص کافی نیست. شعر يك علم است، يك فن است، يك دانش است. خود شعر يك هنر است، اما دانش هم دارد و مثل دیگر دانشها اندازه دارد، متر دارد و مثل بقیه چیزها اهل فن می‌توانند درجه آنرا مشخص کنند، جستجو کنند و بهترین را بیاند و بخوانند. کسی که شعر متوسطی گفته، اگر با اخلاص هم گفته، آن را بین خودش و خدا نگه دارد. شعر متوسط اصلاً نخوانید، شعر پایین و غلط را اصلاً نخوانید.

جامعه مداح ایرانی شعرهای خوب را بخواند. چون سبك مداحی به ویژه مداحی سنتی مانند حرف زدن با مردم است. من مداحان قدیمی را دیده بودم که وقتی شعر می‌خوانند گویا با مردم حرف می‌زدند و تك تك افرادی که آنجا نشسته بودند، می‌فهمیدند، شعر مصیبت هم همین طور بود. مثل:

ای حرم کعبه‌ات ز حلقه بگوشان - وی دل دانای تو زبان خموشان د

با تو که گفت از حسین چشم بیوشان د

اینها را چه کسی نمی‌فهمید؟ و از مردم معمولی ما کیست که کسی شعر فصیح قوی را بخواند و او نفهمد؟ من يك وقتی می‌دیدم که مردم این شعرهای معروف حمله حیدری را که سابق درآویش

پرده می‌زدند - اگر چه مضمون‌هایش پایین است، اما شعرها بسیار قوی و استوار است - می‌فهمند.

سماواتیان محو و حیران همه - سر انگشت حیرت به دندان همه د
که یا رب چه زور و چه با زوست این - فلك را مگر هم ترازوست این د
این شعرها که در کتاب حمله حیدری و متعلق به ملا بما نعلی معروف کرمانی است از لحاظ مضمون پایین است اما از لحاظ شعر نقص ندارد. پس اگر مداح شعر قوی و خوب را بخواند و با مردم حرف بزند در طول مدتی مثلاً ده سال که از آن بگذرد، سطح ادبیات عمومی مردم بالا می‌رود و چون شما همه جا می‌روید و زن و مرد و روستایی و شهری پای صحبت شما می‌نشینند، گوش‌ها به شعر درست و سخن فارسی درست عادت می‌کند، و جامعه مداح می‌تواند در این زمینه بزرگترین خدمت را بکند.

من به برادران عزیز توصیه می‌کنم در جلساتی که دور هم جمع می‌شوند، چه برادران شاعر در انجمن‌های ادبی و شعری که موضوعی را مطرح می‌کنند و چه در جلسات برادران جامعه مداحان، در تهران، قم، مشهد و هر جای دیگر، به خصوص آنجایی که عده زیادی هستند، موضوعات مهمی را که باید درباره آنها شعر گفت، مطرح کنند. درباره خیلی از موضوعات شعر وجود دارد، اما کسی خبر ندارد. شما بروید مثلاً دیوان اقبال را نگاه کنید ببینید این شاعر پاکستانی که هرگز ایران را ندیده به قدری شعر در مفاهیم اسلامی آن هم مفاهیم انقلابی اسلامی مثل (هر که پیمان با هو الموجود بست) دارد که آدم گیج می‌ماند. من خودم به خاطر دارم در حدود ۱۷ یا ۱۸ سال قبل که این مفاهیم و مسائل انقلابی را در سخنرانی‌ها و بحث‌های مجالس درس می‌گفتم گاهی يك بيت شعراز ناصر خسرو، یا سعدی یا فلان شاعر که پیدا می‌کردیم چقدر خوشمان می‌آمد و یادداشت می‌کردیم و از آن در سخنرانی‌ها استفاده می‌کردیم. همان وقت شاید سال ۴۵ بود که من با دیوان اقبال آشنا شدم و شعرهای او نظر مرا جلب کرد. وقتی شروع کردم به خواندن، دیدم درباره مفاهیم مورد نیاز ما و مسائلی که ما در جوامع خود مطرح خیال می‌کردیم داریم نوآوری می‌کنیم، آنقدر شعر در دیوان اقبال هست که سر آدم گیج می‌رود. الحمدلله شعرای خود ما هم امروز شعرهای خیلی خوب می‌گویند که نمونه‌هایش را می‌شنوید و می‌بینید و بسیار جالب است. به هر حال هم در مجامع ادبی و هم در مجامع مداحی دنبال موضوعاتی باشید که بایستی درباره آن موضوعات شعر گفته بشود، یا شعر پیدا بشود. کوشش کنید شعرهای خوب و مایه‌های شعری خوب انتخاب کنید. مبادا به شعر کم مایه قانع شوید. ما شعرای خوبی داریم. شما می‌توانید ادبیات فاخر فارسی را به محتواهایی که حامل همان پیام است در سطح توده مردم منتشر کنید. و این لطف و فضل الهی در اختیار شماست و بر عهده شماست که این کار را انجام دهید. شعر اقبال انصافاً ویژگی‌های يك مدح را دارد، هم مدح است، هم مبالغه نیست، هم خیالی نیست و هم از چیزهای بی‌ربط مثل اینکه در گذشته تشریح می‌کردند که این امام بزرگوار ابرویش یا چشمش یا لبش چه شکلی بوده، به دور است. امروز اصلاً بحث سر اینها نیست که برداریم يك غزل یا قصیده‌ای را خراب کنیم، چون درباره ائمه (علیه السلام) آن طور نمی‌شود حرف زد که آدم با يك نقد معمولی حرف می‌زند. بلکه باید به نحوی دست و پایش را بشکنیم و خرابش کنیم که می‌خواهیم درباره ائمه (علیه السلام) مدح بگوییم و آن وقت نتیجه‌اش این بشود که چهره آن حضرت، یا قد آن حضرت مثل گل یا مثل سرو یا فلان است! این چه لزومی دارد؟ اصلاً مسأله با اهل بیت (علیه السلام) این نیست، مسأله صفات و خلیقات و طینت آنهاست. اینها را بایستی سرود. در همین اواخر، دو سه سال قبل از دیوان صائب را ورق می‌زدیم البته من از سابق با دیوان صائب مانوس بودم لکن چون يك نسخه تصحیح شده ای چاپ شده بود باز شروع کردم به ورق زدن و نگاه کردن دیدم در دیوان غزل‌های بسیار وجود دارد که به درد کار

مداحی شما می‌خورد. لازم هم نیست که انسان يك غزل را حتماً از اول تا آخر بخواند. گاهی که شما به يك مناسبی دارید حرف می‌زنید و يك تك بيت يادتان می‌آید وقتی آن تك بيت را می‌گویید، مثل این است که يك ساعت حرف زده‌اید. این در مخاطب شما اثر می‌گذارد. و چه بهتر که این تك بيت‌ها از بهترین‌ها باشد. ما بهترین‌ها را در اختیار داریم. بنابراین جمع می‌نشینند این بهترین‌ها را

جمع کنند نگه دارند و در اختیار کسانی که وقت ندارند بگردند پیدا کنند، بگذارند یا سروده‌های جدید را نقادی و ارزیابی کنند.

دو خصوصیت برای مدح اهل بیت (علیه السلام) لازم است. یکی اینکه محبت ما را به اهل بیت (علیه السلام) زیاد کند، و لذا هر شعری باید محبت مستمع را به اهل بیت (علیه السلام) زیاد کند، که خود آن محبت ضامن همه چیز است. شعرهایی که راجع به اخلاقشان، گذشتشان، عفوشان و فضایل ایشان است خیلی خوب است. و خصوصیت دوم، شعرهایی است که دستورالعمل و الگوی زندگی آنها را به ما نشان می‌دهد. مثل صراحت شان، شجاعت شان، حق گویی شان، ایثارشان، انفاق شان و محو کردن خودشان در خدا.

در دعاها و در زیارت نامه‌های ما تعبیرات عاشقانه و خیلی خوب هست که حقایقی را نشان می‌دهد. اینها را باید محور قرار دارد آنچه را مثلاً فرض کنید شیخ و ابن طاووس و بزرگان در کتابهای شان گفته‌اند و مفید در ارشاد آورده، اینها را بایستی محور قرار داد و بعد آنها را به شکل زیبا و شایسته‌ای ارائه کرد. حالا به چه شکلی، هر کسی سلیقه‌ای دارد، بر آن ایرادی وارد نیست. شعرای همزمان قرن دوازدهم و اوایل سیزدهم و زمان قاجاریه غالباً شعرهایشان بی‌محتوا و پوچ است. يك نمونه‌اش همین مرحوم قانانی شیرازی است که سنخ شعرهای او در مدایح، به اعتقاد بنده از آن قبیل نیست که برای جامعه ما مفید باشد.

۲- لزوم ارتقا سطح اشعار و مدایح

توجه داشته باشید که نسبت به شعر سخت‌گیری کنید، الان این جلسه مناسب نیست برای اینکه من بنشینم و بگویم کدام بیت اگر چگونه بود بهتر بود، یا فلان شعر چه اشکالی داشت. اما این کار را در مجامع ادبی باید بکنید. یعنی شعری را که خود شما سرودید و خواندید که ممکن است خوب باشد، در يك مجمع ادبی به نقد بگذارید و به هر کسی که این شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر آن وارد کند جایزه بدهید، تا قوی بشوید، یا از اشعار خوب دیگران استفاده کنید و سعی کنید سطح اشعار خودتان را بالا ببرید.

باید انجمن‌هایی متشکل از شعر شناسان و نقادان ادبی و صاحب نظران در کار مدح، یعنی اساتید فن شما، که این کارها را تجربه کرده‌اند به وجود آید تا درباره شعری که خوانده می‌شود داوری و نقادی کنند. گاهی مثلاً يك کلمه را که باید گفت (به تو) یا (به او) می‌گویند (بر او) و شعر خراب می‌شود. چقدر خوب است از لحاظ ادبی این ظرافت‌ها و دقت‌ها کاملاً رعایت شود. ضمناً زبان فارسی را هم منتقل کنید. زبان فارسی امروز زبان انقلاب و زبان دین است و لذا باید زبان فارسی را محکم و استوار کرد تا معارف اسلام را در سراسر عالم بخش کند.

بحمد الله در میان ما شاعر زیاد است و شما عموماً اهل ذوق و اهل صفا و توجه به آن دقت‌ها و ظرافت‌ها هستید. اگر در مجامع مداحی که شعر خوانی معمول است، سعی در نقد و تصحیح کنید و این به وسیله اساتید شعر و نقد انجام گیرد، ولو از بیرون هم بیاورید، مانعی ندارد.

ممکن است کسی از شما شعری را زحمت کشیده و حفظ کرده باشد و بخواند، اما کسی آن را نپسندد. از این موضوع متأسف نشوید. آنچه در دل اثر می‌کند سخن هنرمندانه است. اگر مایه هنری آن کم شد شما مجبور می‌شوید از چیزهای دیگر کمک بگیرید. شعر زیباست و خوب و هنری است، به تدریج اثر می‌گذارد. البته الان آن قدر سطح ذهنیت شعری مردم ما بالا نیست، اما وقتی شما بتدریج خواندید سطح ذهنیت شعری‌شان بالا می‌آید و انس پیدا می‌کند، شعر خوب را می‌فهمند و از مضمون آن استفاده می‌کنند.

۳- اهمی صوت و آهنگ در اشعار و مدایح

راجع به آهنگ، تا آنجایی که من خبر دارم و در مراسم مذهبی همه ادیان، آهنگ هست، و حتی روایت دارد که قرآن را با آهنگ بخوانید. شما وقتی در کلیساها می‌روید، می‌بینید آثار مذهبی را با صدای خوب می‌خوانند. در معابد بودایی هم که می‌روید می‌بینید آن عالم و روحانی بودایی با آهنگ می‌خواند. من در بتخانه‌های هندی رفتم. آنجا هم يك روحانی متفکر نشسته بود، قدری صحبت کرد، بعد هم با تکیه به صوت و آهنگ بنا کرد به خواندن. این يك رازی دارد. این را نباید دست کم گرفت. سخن گفتن با آهنگ غیر سخن گفتن ساده و بی‌آهنگ است. وقتی که بخواهیم يك سخن

معنوی در دل جای بگیرد و خودش را درست نشان بدهد، تنها زبان رسا و بیان خوب کافی نیست، يك چیز دیگر هم لازم دارد و آن آهنگ است و لو با صدای غیر خوب باشد. موسیقی کلمات و جملات در افاده مفهوم آن جملات مؤثرند. همین شعر را اگر شما با آهنگ بخوانید يك جور تأثیر دارد و اگر بدون آهنگ بخوانید يك جور دیگر است. سنت مداحی شما است که با آهنگ بخوانید، نه مثل روضه خوان‌های ما که تکیه به صوت نمی‌کنند. در بین وعاظ در گذشته هم معمول بود که باصوت می‌خواندند، لکن آنها متأسفانه منسوخ شده است. بعضی وعاظ از اول تا آخر منبرشان تکیه به صوت داشتند بعضی هم نه، يك مقداری صحبت می‌کردند، بعد هم با تکیه به صوت وارد می‌شدند و با آهنگ سخن را بیان می‌کردند. این آهنگ يك رازی دارد و فقط برای تنوع نیست. در آثار دینی و در خواندن‌های دینی همه جا آهنگ وجود دارد لذا شعر هم که یکی از بزرگترین و مؤثرترین شیوه‌های بیان است، اگر با آهنگ بیان بشود تأثیر زیادی می‌گذارد. شما باید مثلاً برای گزینش اشعار، يك گروه شعر داشته باشید و برای آهنگ يك گروه داشته باشید. در گذشته موسیقی ایرانی به معنای درست کلمه مال جامعه مداح و روضه خوان بود و همیشه بهترین موسیقی دان‌ها کسانی بودند که روضه می‌خواندند. تاج نیشابوری که شما اسمش را شنیده‌اید خواننده و موسیقی دان بسیار معروف دوره ناصرالدین شاه بوده است. آن وقت‌ها من خودم روضه خوان‌هایی را در مشهد دیده بودم که بسیار خوب می‌خواندند. یکی عادت کرده بود از اول که شروع می‌کرد تا آخر فرضا ابو عطا بخواند و دیگری مثلاً بیات ترك می‌خواند، یا آن دیگری همایون می‌خواند یا مثلاً اول تا آخرش بیان اصفهان می‌خواند. بدون اینکه بد بخوانند یا غلط بخوانند. گوش مردم هم آشنا بود. و خود این، تعلیم ذوق و معتدل کردن ذوق مستمعین، یعنی عموم مردم بود. علاوه بر اینکه آهنگ‌های موسیقی و دستگاه‌های موسیقی در تأثیر گذاری سخن هم مؤثر است یعنی شما در شادی يك دستگاه را می‌خوانید و در غم يك دستگاه دیگر را می‌خوانید، برای موعظه از يك دستگاه استفاده می‌کنید، و برای فرضا مزاح و هزل از يك دستگاه دیگر استفاده کنید. خاصیت مداحی ذوق است، و اگر کسی ذوق نداشته باشد وارد عالم مداحی نمی‌شود و ارتباط با شعر و خوانندگی حاکی از ذوق است بنابراین خیلی زود فرا می‌گیرند. مثلاً يك گروهی داشته باشید برای این کار که آهنگ‌ها را تصحیح کنند. (۱)

بخش چهارم: مداحی اهل بیت و انقلاب اسلامی

۱- مداحی اهل بیت (علیه السلام) و انقلاب

اهمیت نقش جامعه مداح و مداحی را نباید دست کم گرفت. اهمیت این نکته امروز از گذشته بیشتر است. بنده از قدیم که هنوز مداحی این قدر رواج نداشت و مداح زیاد نبود، مداحان معروفی را هم در مشهد و هم گاهی در تهران دیده بودم که شعر خوب می خواندند، و مسلط هم بودند و در مجالس و محافل روضه و انواع و اقسام اجتماعات دینی وجودشان مفید بود. به خصوص آنهایی که اهل فضیلت و معرفت و ادبیات بودند. اینها وجودشان خیلی مفید بود. لکن آن روزگار واقعاً آنچه که در مداحی مطرح بود و بیشتر از آن هم کشش زمانه نبود، همین بود که يك مجلسی را گرم کنند، کما اینکه منبری هم که می رفت منبر حرف می زد، اگر موفق بود، نقشش این بود که يك ساعتی مردم را با تذکرات دینی متوجه به خدا و دین بکند و اگر موفق نبود که هیچ. بلکه انسان از پای منبر آن مداح و سخنران بیرون می آمد، مثل کسی بو که از حمام شستشوی کرده برود در يك گلخنی و یا در يك تونل معدن و یا محیط پر گرد و خاک. به مجرد اینکه پا می گذاشت در میان جامعه، غبارها و آلودگی و کثافت ها دامن او را آلوده می کرد. واقعاً دایره و تأثیر کار منبری و مداح و هر نوع گوینده ای تا همین حد بود. گاهی اتفاق می افتاد که - شاید که هم نبود - وسط آن مجلس مستمع دلش به منبر نبود، یا اگر هم بود حرفی که گفته می شد، از دل گفته می شد تا بر دل مستمعی که آماده شنیدن است بنشیند. این هم از آفاتش بود. و آنجایی که مستمع آماده و گوینده توانا بود تازه اثرش به این ساعات و دقائق و به آن محیط محدود می شد و بس. اما امروز چنین نیست. امروز حرکت جامعه درست است، فضای جامعه سلام است و ما باید باور کنیم که تحول عظیمی در انسانیت و قلب مردم به وجود درست است، فضای جامعه سالم است و ما باید باور کنیم که تحول عظیمی در انسانیت و قلب مردم به وجود آمده است. در ساخت فردی و اجتماعی مردم ما يك تغییر بنیادین پیدا شده است. ما امروز جوانانی که نه پول می فهمند، نه شهوت می فهمند، نه مقام و نام می دانند، نه علائق و وابستگی ها برایشان اهمیت دارد، و دل و جان شان پر از محبت خداست، زیاد داریم. گاهی که انسان به نوشته ها و نامه ها و یادداشت ها و وصیت نامه های این جوانان نگاه می کند، می بیند آنحالتی را که يك عارف و يك عاشق معنوی بعد از سی چهل سال ریاضت و سلوک پیش آن پیرو شیخ و ریاضت های گوناگون به دست می آورد، این جوان شانزده، هفده ساله همان حالت را با صفا و با نورانیت بیشتر دارد علتش هم واضح است آن عارف که ۶۰ یا ۷۰ سال در ودای سلوک قدم زده چرا به آنجا می رسد؟ چرا دلش منور می شود؟ چرا فیض الهی به سمت او سرازیر می شود؟ چون با این ریاضت ها، با این زحمت ها، با این نصیحت هایی که شنیده و با این چیزهایی که یاد گرفته این توانایی را پیدا کرده تا از خویشتن، خویش بیرون بیاید، خود را فراموش کند، هواها و هوس ها را کنار بگذارد و برای او نام و جاه و پول و شهرت و مقام و منیت اهمیتی نداشته باشد. آن عارف درست و حسابی و سالک الی الله که نورانیت پیدا می کند این طور آدمی است و کسی است که زندگی دنیا برایش جلوه ای ندارد، او را از راهش و کارش و وظیفه اش و توجهش و سلوکش باز نمی دارد. وقتی کسی این گونه بتواند دنیا را طلاق بدهد، قلب او لبریز از محبت و انوار الهی می شود، و چنین حالتی را این جوان در این زمان قبل از پیروی از مرشد و شیخ و سالک و ریاضت کش و این حرف ها پیدا کرده است.

این که امام (ره) می فرمایند: (من به این جوانها حسرت می خورم) خیلی معنی دارد امام (ره) يك عارف و يك انسان معنوی است، امام بیش از يك عالم فقیه و معمولی است، امام انسانی است که عمرش را با معرفت و سلوک و توجه و سیر الی الله گذرانده است. این آدمی که دلش به ذکر الهی و به گریه نیمه شب منور و معطر است، می گوید (من حسرت می خورم به حال این بچه ها، به حال این جوانها و به حال پدرها و مادرهایشان) پدرها و مادرها هم کمتر از این جوانها نیستند. پدرها و مادرهای شهدا، انسان را در مقابل خودشان خاضع می کنند. آنقدر عظمت نشان می دهند که انسان احسان می کند در مقابل آنها حقیر است. خوب این جامعه ما است که جوانش و پیرش و رزمده اش، پشت جبهه اش و مداحش و روحانی اش و همه چیز فرق کرده است.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: امروز اگر شما بتوانید يك كلمه عرفانی یا يك نصیحت اخلاقی را به زبان شعر که رساترین زبانهاست آن هم با آهنگ، به ذهن مخاطبتان القا کنید، این برکت دارد. امروز غیر از گذشته است، گذشته برکت نداشت.

حرفهای خود من که اهل سخنرانی و بیان و جلسه و سالهای متمادی با این مردم حرف زده‌ام، حرف بی‌برکتی بود. با اینکه زحمت می‌کشیدم و کار و تلاش می‌کردم اما برکت نداشت و زود زایل می‌شد. امروز حرف خوب مثل آن آب گوارایی است که به جان تشنه می‌رسد و مزاج او را سالم می‌کند. و لذا تکلیف مدح و مداحی و این رشته‌ای که شما در آن هستید روشن است. به نظر من از گذشته اهمیتش بیشتر است.

مگر غیر از این است که انقلاب ما به برکت امام حسین (علیه السلام) پیروز شد؟ اگر مجالس محرم نبود، اگر جلسات عزاداری نبود، اگر جلسات سخنرانی در طول این سالیان دراز نبود، انقلاب به پیروزی نمی‌رسید. مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) بهترین وسیله پیروزی انقلاب بود.

۲- نقش انقلاب در تحول مداحی اهل بیت (علیه السلام)

امروز جامعه مداحی و دستگاه مدح خوانی ما با سال ۱۳۵۸ فرق زیادی دارد و ما خیلی جلو رفته‌ایم. یعنی در گذشته، گوشه، و کنار، در همین جامعه مداحان، مثل روحانیون و مثل جاهای دیگر، آدمهایی بودند که دل‌های سنگ شان حتی با عصای موسی هم که سنگ را می‌شکافت فانفجرت منه اثنتا عشره عینا نشکست. هنوز هم از این قبیل داریم؛ اما خیلی کم هستند.

مقام معظم رهبری فرمود: شما خوشبختانه توانستید قالب کهن را محتوا و روح نو بدهید و این خیلی چیز مهم و با ارزشی است. و لذا وقتی يك انقلابی در محیط زندگی ما به وجود می‌آید، يك تحول عمیق و صادقانه‌ای است که می‌تواند تمام اشکلات و انحرافات کار ما را اصلاح کند و به ما جهت بدهد. امروز هم شاعران و گویندگانی هستند که بر علیه ظلم و فساد شعر می‌گویند، و اگر انقلاب ما و این تحولی که در همه ارکان ملت ما پیدا شد، به وجود نمی‌آمد معلوم نبود که چه می‌شد و به کجا می‌رسید.

۳- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در قبال انقلاب

ما امروز باید با تمام قوا کوشش کنیم که فرهنگ انقلاب و تفکر انقلابی و این اسلامی که بحمدالله در وجود رزمندگان ما و در وجود متفکرین ما و در وجود یکایک افراد ملت ما مجسم و متبلور شده است را هر چه بیشتر در ذهن‌ها راسخ کنیم. این کاری است که از مداحان به خوی بر می‌آید و بحمد الله در این راه قدم برداشته‌اند. مقام معظم رهبری فرمودند: خوشبختانه من، هم قبلاً دیده‌ام و هم امسال خیلی بیشتر می‌بینم و احساس می‌کنم که مداحان در شعر و سرود و در جهت‌گیری خود دقیقاً پا به پای انقلاب پیش آمده‌اند و همین لازم است.

امروز شعری را که يك مداح، چه در مجلس جشن یا در مجلس عزا و چه به عنوان مرثیه می‌خواند، دقیقاً تعبیری است از آن چیزی که ملت ما به آن نیاز دارند. این روند را بایستی هر چه ممکن است سریعتر و قوی‌تر بکنید. این انقلاب می‌تواند به برکت امام حسین (علیه السلام) و حضرت زهرا (س) و ائمه (علیه السلام) و به برکت همین مدح و گفتن این حقایق درباره زندگی این بزرگواران به تمام دنیا صادر بشود. ما این کار را می‌توانیم بکنیم، و برادران مداح و جامعه مداحان یکی از بهترین پایگاهها و ابزارها را در اختیار دارند. اگر برادران توجه کنند این نظری که اکنون بحمد الله از غربت خارج شده را ما يك زمانی قبل از انقلاب می‌گفتیم و با آن همراهی نمی‌شد. ما می‌گفتیم مبارزه همه ائمه (علیهم السلام) يك مبارزه بنیانی برای ایجاد نظام اسلامی بود. ما آن روز از نظام اسلامی تعبیر به نظام علوی می‌کردیم. اصلاً کلمه حکومت اسلامی به گوش دستگاه بسیار حساس بود و چون فوراً قضیه را می‌گرفتند، ما نمی‌خواستیم بفهمند، لذا می‌گفتیم نظام علوی، که در زندگی امام صادق (علیه السلام) و در زندگی موسی بن جعفر (علیه السلام) و در زندگی ائمه (علیه السلام) این معنا آشکار است و حالا بحمد الله این افکار رایج شده. اگرچه گوشه و کنار هستند کسانی که هنوز نمی‌خواهند حقیقت را درک کنند و بفهمند و حس کنند ائمه (علیه السلام) پیامشان چه بوده است. لکن این چیزی است که امروز فراین و شواهدی دارد و آن را برای

همه مدلل و ثابت می‌کند واقعاً برای ایجاد و استقرار يك نظام الهی و اسلامی مبارزه می‌کردند و همه تلاش شان را برای این گذاشته بودند. بنابراین باید در این روال و در این ردیف شعر گفته بشود و خوانده بشود، که یقیناً آثار و فوایدش بیشتر است. و این، جمع بین تبیین اسلام و تبیین زندگی ائمه (علیه السلام) و تبیین انقلاب اسلامی است.

يك روز در رژیم گذشته کسانی بودند که حاضر نبودند سرمایه گذاری کنند، در همان حالی که تمام فشارها بر بندگان شایسته خدا وارد می‌آمد.

آن روز این بنده صالح خدا و شایسته‌ترین انسان عالم ربانی که تا کنون ما شناخته‌ایم حضرت امام (ره) نه تنها اسم و رساله‌اش قاچاق بود، بلکه کمترین اشاره به او هم قاچاق بود و يك عده به خاطر آشکار شدن این حرف چه بسا زحماتی را که متحمل می‌شدند و با توجه به همه مشکلات برخی از شما شعر می‌گفتید، يك عده می‌خواندید و يك عده هم نوحه می‌ساختید و مردم را گرم می‌کردید.

در همان روزها يك عده هم بودند که بازار و حسینیّه و مسجد برایشان فرقی نمی‌کرد و دلشان می‌خواست عبدالملك را مدح کنند و با اینکه همراه ائمه (علیه السلام) و محب ائمه (علیه السلام) بودند، با کنار آمدن با قدرتهای شیطان و طاغوتی سازگار نیست و امکان ندارد، لکن يك عده آن طور بودند اگر چه بعضی هم اشتباه می‌کردند و غفلت داشتند و از روی غرض نبود انقلاب همه ما را روشن کرد و چشم همه را باز کرده. و به نظر من آن کسانی که آن روز در این میدان نبودند، بایستی امروز جبران کنند. (۲)

بخش پنجم: مسائل جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

۱- لزوم وجود ضابطه و نظام در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام) بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری)

درباره سازماندهی جامعه مداحان: من به طور کامل فکر نکرده‌ام. اما همین که ابتدائاً نگاه کردم دیدم به دو طریق می‌شود سازماندهی کرد. یکی اینکه ما بگوییم همان طور که جمعیت‌ها و احزاب و گروه‌ها هستند، ما هم یک جمعیت هستیم که افرادی بیایند در این جمعیت عضو شوند و شاخه و شعبه پیدا کند. که من می‌دانم این چنین چیزی مصلحت هست یا نیست. و یک طریق دیگر هم هست که اگر آن طور بشود، من همین الان می‌گویم مفید و لازم و بلکه ضروری است و آن این است که ما یک کانونی داشته باشیم به نام کانون مداحان ایران مثلاً یا مداحان و شاعران مذهبی ایران و این کانون بدون اینکه بخواهد مداحان را سازماندهی کند، یک آبخوری باشد تا همه کسانی که می‌خواهند در فن مداحی و خوانندگی اهل بیت (علیه السلام) کار کنند و پیش بروند و رشد کنند بتوانند از آن بهره ببرند و استفاده کنند. طبعاً چنین کانونی به گروه‌ها و مجموعه‌هایی تقسیم می‌شود، فرضاً گروه شعر است که باید بهترین اشعار را از دواوین شعرای خوب ما اعم از غزل سرایان و قصیده سرایان انتخاب کند و در اختیار مداحان بگذارد. باید به تدریج سمت مداحی اهل بیت (علیه السلام) که واقعا یک منصب است، یک ثغوری هم پیدا کند. مداحی اهل بیت (علیه السلام) که هم مقام بالایی دارد و هم تأثیر زیادی در جامعه و در ذهن مردم دارد، باید یک حدودی پیدا کند که بدانید چه کسی مداح است و مقدمات کار مداحی‌اش چقدر است. چقدر شعر می‌داند، چقدر حفظ است و چقدر می‌تواند بخواند؟ این خصوصیات را یک مرکزی از مراکز تأیید کند و خود شماها به یک کیفیتی فکر این کار را بکنید. چون این چیزی است که دنیای امروز و نیازهای جامعه امروز غیر از این را قبول نمی‌کند. و لذا آن کسانی که این منصب را رسماً به عهده می‌گیرند و لباس مقدس ستایش اهل بیت (علیه السلام) را بر تن می‌کنند و مردم آنها را به این عنوان می‌شناسند، باید خصوصیتی داشته باشند و یک مرکزی باشد که اینها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و تأیید کند.

۲- لزوم خودسازی معنوی در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

تا کسی که اهل بیت نباشد قاعدتاً وارد این وادی که شما هستید نمی‌شود. و لذا کسی که قدم در این وادی می‌گذارد یک مایه محبت و استعداد و قابلیت در او وجود دارد. وظیفه هر انسانی این است که این سرمایه محبت و معرفتی را زیاد کند. اولاً باید خودمان در هر سطحی که هستیم، سعی کنیم این سرمایه را زیاد کنیم و هر کسی باید خودش را اصلاح کند. -برادران! این سرمایه‌های معنوی هم مثل سرمایه‌های مادی است، اگر به آن اضافه نکردید تمام خواهد شد. مولوی تمثیل خوبی دارد، می‌گوید این آبهایی که خلاق با استفاده از آنها خودشان را پاک می‌کنند، با طراوت می‌کنند پاکیزه می‌کنند، این آب به وجود پاکیزگی می‌دهد اما خودش هم احتیاج به پاکیزه شدن دارد و آن چیزی که این آب را پاکیزه می‌کند، همان قوه فرو نهاده در خلقت الهی است که آن را بالا می‌برد و به ابر تبدیل می‌کند آن گاه به صورت باران و آب خالص پاک و طاهر دوباره به طرف پایین بر می‌گرداند.

-برادران عزیز آنچه ما وظیفه داریم این است که خود را شایسته انتساب به خاندان اهل بیت علیهم السلام کنیم چون این منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله وابستگان و معروفین به ولایت آنها بودن دشوار است. اینکه ما در زیارت می‌خوانیم ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم یک وظیفه مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد و این خیر کثیری که در سوره مبارکه کوثر خدای متعالی مرده آن را به پیغمبر اکرم صلی الله داد (انا اعطیناک الکوثر) که تعبیر آن فاطمه زهرا (س) است. در حقیقت مجمع همه خیرات است که روز به روز از سرچشمه دین نبوی بر بشریت و بر همه خلائق فرو می‌ریزد گر چه خیلی سعی کردند تا این را پوشیده بدارند و انکار کنند اما نتوانستند والله متم نوره ولو کره الکافرین البته ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم و نزدیک شدن به مرکز نور لازمه و خاصیتش نورانی شدن است باید با عمل (و نه فقط با محبت به تنهایی) که همان محبت و ولایت ایمان آن را به ما املا می‌کنند و از ما می‌خواهند جزو وابسته به این

خاندان بشویم به آنها نزدیکتر شویم اینطور نیست که قنبر در خانه علی (علیه السلام) شدن کار آسانی باشد و اینطور نیست که (سلمان منا اهل البیت) شدن کار آسانی باشد ما جامعه موالیان اهل بیت و شیعیان اهل بیت (علیه السلام) از آبرزگواران توقع داریم که ما را جزو خودشان و از حاشیه نشینان خودشان بدانند و بگویند: فلان ز خاك نشینان خاك در گه ماست آرزو داریم اهل بیت (علیه السلام) درباره ما اینطور قضاوت کنند. اما این آسان نیست و با ادعا فقط به دست نمی‌آید بلکه عمل و گذشت و ایثار لازم دارد تشبه و تخلق به اخلاق آنها لازم دارد. شما ملاحظه کنید این بزرگواری که ما امروز ساعتی را با شما به استماع مدایح و فضایلش نشستیم - که آنچه گفته شد قطره‌ای از دریاست در چه سنی این همه فضایل را حائر شد. در چه مدت از عمر کوتاه و پر برکتش درخشندگی از خود بروز داد؟ عمر آن حضرت را از هجده سال تا بیست و پنج سال نقل کرده‌اند این همه فضایل بیهوده بدست نمی‌آید امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلفك فوجدك لما امتحنك صابره خدای متعالی بنده برگزیده، زهرای اطهر را آزمود. دستگاه خدای متعالی دستگاه حساب و کتاب است، آنچه را می‌بخشد با حساب و کتاب می‌بخشد و لذا او می‌داند گذشت و ایثار و معرفت این بنده خالص خود و فدا شدنش در اهداف الهی را لهذا او را مرکز فیوضات خودش قرار می‌دهد و ما باید این راه را برویم، یعنی ما هم باید ایثار کنیم و اطاعت و عبادت خدا را بکنیم، مگر نمی‌گوییم حتی تور مت قدمها اینقدر در محراب عبادت خدا ایستاده که پاهایش متورم شد؟ ما هم باید در محراب عبادت بایستیم و ما هم باید ذکر خدا بگوییم، ما هم باید محبت الهی را در دل‌هایمان روز به روز زیاد کنیم.

۳- لزوم تعلیم و تعلم در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

گاهی اوقات در روشهای استادان حرکات استادانه‌ای هست که مدح جوان تا بخواهد آن حرکات را یاد بگیرد طول می‌کشد و لذا مدتها باید گوش بدهد. مداحان غالبا وقت نمی‌کنند پای منبر همدیگر بنشینند و از مجلس به آن مجلس رفتن فرصت را از آنها می‌گیرد. لکن اگر يك جایی باشد که آن شیوه‌ها و روشهای استادانه‌ای را که اساتید کار و اساتید فن در طول سالها متمادی یاد یا با شیوه‌ها و روشهای استادانه‌ای را که اساتید کار و اساتید فن در طول سالها متمادی یاد گرفته‌اند، یا با ذوق فطری خودشان آن را دریافته‌اند، بیاموزند، مداحان جوان خوب یاد می‌گیرند. البته سابق یاد نمی‌دادند. کسی که يك غزل یا قصیده خوب و يك شعر در مصیبت بلد سعی می‌کرد آن را به دیگران یاد ندهد و حتی سعی می‌کرد طوری بخواند که دیگران نتوانند آن را یاد بگیرند. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: وقتی يك مجمعی باشد، این مجمع محل التقا تجربه‌ها می‌شود. اگر ما می‌خواهیم فن و هنر مداحی و هنر مداحی را با این فلسفه‌ای که من گفتم رشد بدهیم و پیش ببریم، باید يك جایی باشد تا تجربه شما را که در طول سی یا چهل سال بدست آورده‌اید در کپسول بریزید و در حلق جوانی بیاندازد که آن را یاد بگیرد و به این صورت سطح آگاهی جوانها را بالا ببرد. و نسل بعد را از نسل موجود بالاتر بکشد. و این، يك مجموعه‌ای باشد برای اینکه در خوانندگی آن روشها و آن دستگاهها و آن شیوه‌های هنرمندانه و استادانه را یاد بگیرد. يك گروه هم برای مسائل اعتقادی و مطالب علمی و از این قبیل باشد. بنده کاملا با چنین مجموعه‌ای موافقم و خیلی هم خوب است و باید این کارها انجام بگیرد.

بخش ششم: رسالتهای مداحان اهل بیت (علیه السلام)

۱- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در معرفی چهره اهل بیت علیهم السلام بعنوان مثال چهره حضرت فاطمه زهرا(س)

الان شما ملاحظه می کنید مثلاً درباره فاطمه زهرا (س) چقدر مطلب وجود دارد که اینها را ما باید به دنیا ابلاغ کنیم. پیام فاطمه زهرا (س) صحبت کردیم به ابعاد سازنده شخصیت ایشان که بتواند دنیای امروز را اداره کند کمتر توجه کردیم. ما خودمان به این معنا اعتراف داریم و قبول می کنیم. ما باید فاطمه زهرا (س) را در سه صحنه ببینیم و نقش این بانوی بزرگ و استثنایی را در این سه صحنه درست بسنجیم و برای دیگران درست تشریح کنیم. یکی در صحنه زندگی به عنوان يك مسلمان یعنی فاطمه زهرا (س) به عنوان يك مسلمان مثل بقیه مسلمانها چه می کرد؟ عبادت فاطمه (س)، اخلاق فاطمه (س)، معاشرت فاطمه (س)، که در روایات ما درباره این خصوصیات و علم این مخدرة (س) و عبادت و معرفتش فراوان تعریف و بحث شده است. دوم به عنوان يك زن در صحنه جامعه، آیا در محیط اجتماع و در صحنه مبارزات اجتماعی و حرکت اجتماعی و تضامن اجتماعی، فاطمه زهرا (س)، به آن خطبه شگفت آور فاطمه (س)، به استقبالش از خطرهای و از مصایبی که در يك جامعه انقلابی وجود دارد. يك زن در جامعه چه می کند؟ بسیاری خیال می کنند زن از نظر اسلام در صحنه جامعه کاری ندارد. در حالی که ما می بینیم فاطمه زهرا (س) در متن جامعه، آن هم در خطرناکترین بخشهای جامعه، حضور دارد.

وقتی که صحبت از خلافت است و مبارزات سیاسی در اسلام مطرح می شود، آن قهرمانی که وسط می ایستد و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و حذیفه و حتی خود علی بن ابیطالب (علیه السلام) دور او جمع می شوند فاطمه زهرا (س) است، علم مبارزه اوست. من نمی خواهم بحث سنی و شیعه را اینجا شروع کنم و موافق نیستم که در این روزگار که دشمن در صدد است انقلاب ما را يك انقلاب ضد سنی در دنیا معرفی کند و صدها میلیون مسلمان را از ما دور کند، ما هم به آنها كمك می کنیم، مسأله شیعه و سنی راه بیاندازیم و همان کاری را بکنیم که در طول زمان می خواستند، من با این کار موافق نیستم. اما این يك واقعیت تاریخی است و ارتباط به بحث کلامی ندارد.

فاطمه زهرا (س) بعد از رحلت پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای خلافت علی بن ابیطالب (علیه السلام)، به يك مبارزه مستمر شبانه روزی دست زد و کسی نمی تواند منکر آن بشود. خود فاطمه زهرا (س) محور مبارزه بود. و لذا زن در صحنه مبارزات اجتماعی می تواند چنین حضور فعالی داشته باشد. نمی شود بگوییم او فاطمه زهرا (س) بود، به زنهای ما چه؟ بلکه چون فاطمه زهرا (س) بود، زنهای ما باید از آن الگو پیروی و اتباع کنند اگر دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نبود، اگر معصوم نبود، اگر مورد عشق و محبت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نبود، اگر کارش و عملش به وسیله معصوم (علیه السلام) تقریر نشده بود که خود او هم معصوم است، ما نمی گفتیم باید پیروی کنند. او از دخترش زینب کبری (علیه السلام) خیلی بالاتر و خیلی قوی تر و خیلی جامع تر و همه جانبه در طول زندگی عمل کرد. و صحنه شوم، به عنوان يك زن در زندگی خصوصی و در زندگی خانوادگی، یعنی به عنوان يك مادر، به عنوان يك همسر، به عنوان يك زن صبور در مشکلات و به عنوان زنی که شوهرش در طول این هشت، نه سال همسرش، بیش از سی بار به جنگ رفته در عملیات شرکت کرده، این بانوی مخدرة همه اینها را تحمل کرده است. پس اگر ما بخواهیم امروز این ابعاد را بشکافیم، این فقط مربوط به مسأله سازندگی زن ایرانی نیست، بلکه پیام عظیم به دنیاست. امروز جامعه زن در جهان متحیر است، در خلأ است و نمی داند چه باید بکند. دست او را گمراه سازان تمدن مادی گرفته اند و به هر جا که دلخواهشان هست می برند و سخنان مبالغه آمیز و تمجید آمیزی هم به دروغ نسبت به زن می گوید که خیال کنند دارد از زن حمایت می شود. شما اگر اینها را مطرح بکنید و شعرا را بگویند و گویندگان ما اگر بخوانند، چه فرهنگ رایجی در زمینه مسائل زن به وجود می آید؟ ما خوشبختانه در زمینه های فرهنگی احتیاج به هیچ چیز دیگری نداریم زیرا غنی و خود کفا هستیم. این دیگر مسائل صنعتی و فنی نیست که دست ما به طرف دیگران دراز باشد. خودمان آن الگوها را داریم و باید برای دنیا صادر

کنیم. لهذا روز ولادت حضرت زهرا (س) یا روز وفات آن بزرگوار در روایات مختلف و مناسبت‌های مختلف که هزاران ستایشگر خاندان پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وسلم) و مداح اهل بیت (علیه السلام) در هزاران مجلس، شعرهایی را می‌خوانند، با آن شیوه‌ها و روش‌های ممکن است وجود داشته باشد، شما ببینید چه تحولی به وجود می‌آید. مقام فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در خور آن است که عقول بر جسته انسانهای بزرگ در اصلی‌ترین رشته‌های تفکرات ایشان بیندیشند و زبان‌های فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین گویندگان، شعرا و سرایندگان، آن اندیشه‌ها را قالب کلمات بیاورند و سرشارترین ذوقها و جوشان‌ترین طبع‌های فیاض هنرمندان و شاعران، آنها را به صورت شعر و سخن منظوم، با بهترین حنجره‌ها بیان کنند. اگر چنین شود، شاید ما انسانهای متوسط امروز که از معارف حقیقی الهی دوریم و در ذهن و دل و روحمان کشش نداریم که حقایق والا و متعالی را درک بکنیم، بتوانیم گوشه‌ای از فضایل و مباح و مناقب و محامد این بزرگوار را بفهمیم و درک کنیم. وقتی انسان به روایتی که مربوط به فاطمه زهرا سلام الله علیهاست و از ائمه علیهم السلام صادر شده مراجعه می‌کند، می‌بیند زبان معصومین (علیه السلام) آنچنان پیرامون این بزرگواران به ستایش و خضوع و خشوع گشوده شده است، که ممکن است برای کسی که مقام والا فاطمه زهرا (س) را ندانسته باشد مایع تعجب بشود. اما از خود پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وسلم) که همسرش بود و تا فرزندان او ائمه معصومین (علیه السلام) هر کدام راجع به زهرا اطهر (علیه السلام) جمله‌ای سخن گفتند، آن را با زبان تعظیم و ستایش بیان کردند و این نشان دهنده مقام والا و توصیف نشدنی آن حضرت است. علو درجه معنوی و ملکوتی ام الائمه النجبا حقیقتا برای ذهن قاصر ما قابل درک نیست و ما قدر فهم خودمان ممکن است رشح‌های از رشح‌ها را درک کنیم. این دختر جوان حضرت فاطمه (س) و این بانویی که در هنگام شهادت ۱۸ سال داشت، آنقدر به نماز ایستاد و عبادت کرد که پاهای مبارکش ورم کرد. آنوقت این خانوم با چنین منزلتی و مقامی کار منزل را هم خودش می‌کرد، پذیرایی از شوهر و فرزندان هم بر عهده خود او بود؟ روایات درباره دستاس کردن گندم توسط فاطمه زهرا (س) فراوان و متعدد است.

این بزرگوار يك زن خانه دار و شوهر دار بود، يك مادر مریب فرزندان بود، این مخدرة بزرگوار در میدانهای سخت مایه دلگرمی شوهر و پدرش بود. ولادت آن حضرت در سال پنجم بعثت یعنی در عین شدت دعوت پیغمبر و فشارهای سختی که شما شنیدید اتفاق افتاد. در ولادت آن بزرگوار، زنها برای كمك نیامدند و این خیلی معنی دارد. یعنی پیغمبر در حال آنچنان مبارزه‌ای بود که مردم مکه او را بایکوت کرده بودند و برای اینکه پیغمبر را زیر فشار قرار بدهند، به کلی رابطه خودشان را با ایشان قطع کردند و آن زن فداکار - خدیجه کبری (س) استقامت کرد و به پیغمبر دلگرمی داد. بعد هم وقتی این دختر ۶ - ۵ ساله شد نوبت به ماجرای شعب ابو طالب رسید با آن گرسنگی سختی‌ها و فشارها و غربت‌ها بطوری که در روزهای داغ و شبهای سرد آن منطقه، شکمهای بچه‌ها گرسنه و لبهای آن تشنه بود و جلوی چشمان پدر و مادرشان از گرسنگی و تشنگی پرپر می‌زدند، سه سال پیغمبر بود. در همین دوران بود که حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب از دنیا رفتند تنها ماند و فقط این دختر بود که از آن حضرت پذیرایی می‌کرد، او دلداری می‌داد و غبار غم و کدورت را از چهره‌اش می‌زدود و آنقدر این کار تکرار شد که پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وسلم) به این دختر ۸ - ۷ ساله گفت (مادر!) او مثل يك مادر از پدرش که همه مشکلات عالم وجود و مشکل هدایت همه بشریت را بر دوش داشت پذیرایی کرد. خدای متعالی پیامبر را به خاطر سختی‌ها و مشقت‌هایش تسلی داد. قرآن می‌فرماید: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى ای پیامبر! چرا اینقدر به خودت سختی می‌دهی؟ چرا اینقدر رنج می‌کشی؟ چرا اینقدر فشار بر آن روح ملکوتی‌ات وارد می‌کنی؟ در آن دوران که فشار روانی پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وسلم) سنگینی می‌کند، این فرشته كوچك و این دختر ملکوتی و معنوی، یعنی دختر پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وسلم) مثل نوری در آن شبهای تاریك زندگی پیغمبر و مسلمانان می‌درخشد. برای امیر المومنین (علیه السلام) هم همین طور بود. در روایت دارد که سمیت الزهرا لانها تزهرا لامیر المومنین (علیه السلام) فی النهار ثلاث مرات بالنور. فاطمه را زهرا نامیدند چون روزی سه بار در چشم علی (علیه السلام) می‌درخشید. اگر زن پشتیبان مرد باشد، در هر میدانی نیروی مرد به چندین برابر می‌رسد. قلب این زن حکمیه و این زن عالمه و این

زن محدثه و این زنی که با عوالم غیب ارتباط داشت و این زنی که فرشتگان با او حرف می‌زدند، آن چنان به عوالم ملك و ملکوت روشن بود که قلب علی و قلب پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را روشن می‌کرد و قوت می‌بخشید. این زن با همه ظرفیت و با آن مقام شامخ پشت سر امیر المومنین (علیه السلام) مثل کوه ایستاده و تا زنده بود در همه مراحل زندگی با تمام وجود از امیر المومنین و از مقام ولایت دفاع کرد. علامه مجلسی می‌گوید: بزرگان فصحا و بلغا از علو کلمات و مضامین ظاهر و باطن کلمات خطبه‌ای که زهرا (س) در مسجد مدینه ایراد کرد انگشت تعجب به دندان گزیدند. این بیان علامه مجلسی است، یعنی کسی که آن همه روایت از ائمه (علیه السلام) گرفته و در اختیار ماها گذاشته، در مقابل این خطبه خودش را می‌بازد. این خطبه عجیب را که همانند زیباترین و بلندترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است، فاطمه زهرا (س) با آن حال غم و اندوه به مسجد رفت و ارتجالا و بدون اینکه قبلا آن را تنظیم کرده باشد بر زبان جاری کرده است. آن بیان حکیمانه و آن ارتباط با غیب و آن ظرفیت والا و بالا و آن نورانیت قلب و بیان را همه و همه یکسره در راه خدا خرج کرده است.

چیزی که با ما باید بعد از این مراحل محبت و مجذوبیت نسبت به حضرت فاطمه زهرا (س) که هر چه محبت بورزیم، برای این منبع نور و معدن فضیلت کم است به آن توجه داشته باشیم، این است که ببینیم وظیفه ما در قبال این ارتباط عاطفی و قلبی چیست و الا اگر این را ملاحظه و دنبال نکنیم ممکن است خدای نکرده این محبت، آن نتیجه‌ای را که انتظار داریم به ما ندهد، چون فاطمه زهرا (س) يك موجود معمولی نیست.

او یکی از برترینها در همه تاریخ بشریت است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: (یا سیده نسا العالمین) بعد راوی پرسید: آیا مادر شما سرور زنان عالم بود یا مریم؟ حضرت فرمود: مریم سرور زنان زمان خودش بود. لکن مادر ما سرور زنان اولین و آخرین است و تتعلق به زمان خودش تنها نیست. یعنی اگر در همه خلقت عالم و در همه این میلیاردها انسانی که در طول زمان آفریده شده‌اند شما يك تعداد انگشت شماری برترینها را بخواهید پیدا کنید یکی از آنها همین مطهره منوره است که این چنین اسم او یاد او بگذاریم، از او بگوئیم و از او بشنویم بسیاری از مردم دنیا از او غافلند، لذا این هم لطف خدا بر ماست یعنی مقام آن بزرگوار به گونه‌ای است که علما بزرگ مسلمین و صاحبان فکر و نظر بحث که آیا زهرا اطهر (س) بالاتر است یا علی بن ابیطالب (علیه السلام)؟ آیا این مقام کمی است که بزرگان اسلام بنشینند با هم گفتگو کنند، یکی بگوید زهرا (س) بالاتر است، یکی بگوید علی (علیه السلام) بالاتر است؟ لهذا این محبت و علقه‌ای که وجود دارد يك وظیفه را بر دوش ما می‌گذارد و آن وظیفه این است که ما باید هم در عمل شخصی و هم در عمل اجتماعی به منش و روش آن بزرگوار عمل کنیم و راه همین است که امروز به فضل الهی انقلاب جلوی پای مردم ما گذاشته یعنی همان راه حضرت فاطمه زهرا (س).

برکات فاطمه زهرا (س) را مدعیان آشنایی و معرفت و ارادت به آن بانوی دو عالم در سرتاسر ایام حیات خودمان و در جلوه‌های گوناگون زندگی مشاهده کرده‌ایم و امید است که انشاءالله تداوم این برکات و تفضلات را تا همیشه زندگی و پس از مرگ هم ببینیم و حس کنیم و همه دوستان و موالیان، از انوار مطهره آن حضر مستفیض بشوند ولیکن فیوضات فاطمه زهرا (س) به يك مجموعه کوچکی که در مقابل مجموعه انسانیت جمع محدودی به حساب می‌آید منحصر نمی‌شود. اگر با يك دید واقع بین و منطقی نگاه کنیم بشریت، يك جا مرهون اسلام و قرآن است و مرهون تعلیمات انبیا و پیغمبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. روز به روز، نور اسلام و معنویت فاطمه زهرا (س) آشکارتر خواهد شد، و این را بشریت لمس خواهد کرد.

اگر ما بخواهیم چیزی را در راه خدا آن جایی که به آن احتیاج هست خرج کنیم، سرمایه ما چیست؟

سرمایه ما در مقایسه با آن سرمایه عظیمی که زهرا اطهر (س) و شوهر او و پدر او و فرزندان او در راه خدا خرج کردند چه قابلی دارد؟ این مختصر علم و زبان و پول و طبع شعر و معرفتی که ما داریم اگر داشته باشیم در جنب آن اندوخته عظیم بی نظیری که خدای متعال در آن وجود ملکوتی گرد آورده و مجتمع کرده چه اهمیت دارد تا در راه خدا بخل کنیم؟ راه علی (علیه السلام) و فاطمه

(س) و راه ائمه (علیه السلام) امروز همان راه امام خمینی (ره) است و اگر کسی این را نداند و نفهمیده باشد باید در بصیرت خود تجدید نظر کند. ما هر چه داریم باید در راه اینها خرج کنیم و این همان چیزی است که به آن علقه معنا می‌بخشد.

۲- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در سازندگی و هدایت جامعه شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت (علیه السلام) بهترین کسانی هستند که می‌توانید حلقه عمل را به حلقه محبت متصل کنید و يك سلسله و زنجیره ثاقبی به وجود بیاورید. عاطفه مردم ما و پیوند و عشق شان با ائمه (علیه السلام) که حقیقتاً از شادی آنها و در عزای آنها محزون و غمگین می‌شوند عامل بسیار مهمی است که حفظ و تقویت و پالودن و پیراستن و جهت دادن و هدایت آن بر عهده کسانی از برگزیدگان است، از جمله همین سلسله محترم مداحان که صاحب این منصب عالی هستند.

برادران عزیز این انقلاب دشمن دارد و دشمنان جدی هم دارد. اما انقلاب روی دوش ایمان مرم است و این ایمان باید هم عمق پیدا کند، هم صفا و جلا و هم مردم به این ایمان تشویق شوند. لهذا کدام زبان می‌تواند برای این کار از زبان مادحان اهل بیت (علیه السلام) مناسب‌تر باشد. مگر ما نمی‌گوییم چه‌بیزه حضرت زهرا (س) همان چیزهایی بود که انسان از شنیدن آنها متاثر می‌شود؟ مگر نمی‌گوییم آن بزرگوار برای دنیا هیچ ارزشی قائل نبود و مگر می‌شود زن و مرد ما روز بروز تشریفات و تجمل گرایی ورز و زیور را بیشتر کنند و مهریه دخترها را زیاده‌تر کنند؟ شما که مداح هستید بروید ای حرفها را در مجالس فاطمه زهرا (س) بگویید، و با آنم ذوق و هنر صدای خوش، و لحن مطلوب و کیفیت جذاب خوانندگی تان، دل‌های مستمعان را به این حقایق نزدیک‌تر کنید.

۳- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در آگاهی و روشننگری جامعه جامعه مداح باید نقش آگاه سازی را در جامعه ایفا کند. استکبار جهانی از راه تبلیغات به جنگ انقلاب ما می‌آید و این همه رادیو که در دنیا با هزینه‌های گزاف به کار انداخته‌اند، برای این است که بتوانند در ایمان مردم ما تزلزل ایجاد کنند. لکن این يك طمع خام است و به فضل الهی هر روزی می‌گذرد ما می‌بینیم مردم ایمانشان راسختر می‌شود. برادران ما دیروز از جبهه خبر می‌دادند و می‌گفتند نمی‌دانی چه خبر است و چه شور و هیجانی در میان این جوانان بسیجی هست و چه عشقی و چه امیدی به پیروزی دارند. این از ایمان ناشی می‌شود. مگر اینها کیستند؟ اینها همان مردمند. و شما که بیشتر در میان مردم هستید بیشتر روحیه خانواده‌های شهدا و پدر و مادرها را می‌بینید. بنا براین ایمان مردم ما متزلزل شدنی نیست. اما بایستی آن کسانی که زبان گویا دارند هر چه می‌توانند برای مردم روشننگری کنند.

شما امروز می‌توانید آن شعری را که روشنگر مردم باشد در اختیار داشته باشید و با صدای خوب و با شیوه‌های مطلوب برای مردم بخوانید تا در آنها اثر بگذارید.

۴- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در قبال شهدا در تهران یا قم و یا هر جای دیگر که برادران هستند از حضور در مجالس شهدا غفلت نکنند. من خواهش می‌کنم برادران با جستجو محافل شهدا را پیدا کنند و خودشان در آنجا حضور پیدا کنند و منتظر دعوت آنها نباشند. کما اینکه شنیدم بعضی از برادران مداح همین طور هستند و اصلاً خودشان می‌روند مجالس شهدا را پیدا می‌کنند و در آنجا مداحی می‌کنند. اگر این سازماندهی شده باشد، خیلی بهتر است. جامعه مداحان کنونی در تهران، قم، کرج، و هر جای دیگر که آقایان هستند اصلاً سازماندهی کنند و با تقسیم شهر، مداحان هر قسمت را موظف کنند، يك نفر را مامور کنند و مثلاً عده‌ای از مداحان روز شنبه را اختصاص به شهدا بدهند و شش روز دیگر هفته را به کارهای معمولی خودشان و دعوت‌های مردم بپردازند. بعضی‌ها یکشنبه و بعضی‌ها دوشنبه و به همین منوال تا جمعه را اختصاص به شهدا بدهند، که مردم بدانند برای شهید می‌توانند در هر مجلس یاد بودی بگیرند. خدا شاهد است که اگر من مداح و منبری بودم و وقت داشتم آرزو می‌کردم بروم در مجالس شهدا مداحی یا صحبت کنم و یا شعری بخوانم. منتهی فرصت نمی‌کنم. لکن اگر برایم امکان داشت بدانید که نمی‌گذشتم هیچ وقتی از اوقاتم از حضور در مجلس شهدا

فوت شود. هم تسلی آنها و هم بزرگداشت شهادت آنها بسیار عزیز و محترم است و امروز اینها علی اکبرها هستند.

اینها هستند که امروز به ندای هل من ناصر سید الشهداء (علیه السلام) پاسخ گفتند و دارند فداکاری می‌کنند. ما در طول تاریخ هیچ کس را نمی‌توانیم با شهدای کربلا مقایسه کنیم. آنها مقام و موقعیت دیگری دارند. اما آنها را می‌توان با شهدای زمان پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مقایسه کرد. واقعا بعضی از شهدا امروز ما از شهدای زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بالاترند و بعضی شان هم با آنها برابرند.

حنظله غسیل الملائکه و بقیه شهدا که در دوران‌های مختلف بودند در زمان ما هزاران نظیر دارند. به هر حال خانواده‌های شهدا خیلی ارزش دارند.

توضیح: بخش ششم با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری همراه با حاشیه و مقداری دخل و تصرف از نظر خوانندگان محترم گذشت.

بخش هفتم: فنون مداحی

این بخش از نظر آموزشی بسیار مهم و ارزشمند است. و لذا در خواست داریم که به دقت مطالعه و در مجالس به کار برده شود. تا همه دریابیم با رعایت نکات فنی در مداحی مجالس اهل بیت (علیهم السلام) زیبا و جذاب خواهد بود. و هیئت‌ها از بی نظمی و پریشانی نجات پیدا خواهند کرد. این خواسته استعمار است که در جلسات روضه هر کس هر شکلی خواست مداحی کند هر چیزی دلش می‌خواهد بخواند. ما معتقدیم اهل بیت (علیه السلام) منشأ و بنیانگذار نظم و برنامه هستند. از وصایای مهم امیرالمومنین علی (علیه السلام) نظم است. فنون مداحی یکی از امتیازات آن نظم بخشیدن به جلسات مداحی و روضه و در نتیجه منظم شدن هیئت می‌شود. و هر جا که نظم حاکم شد یادگیری و شعور بالا خواهد رفت.

در این بخش بر آنیم تا فنون زیر را تشریح نماییم.

(۱) فن مجلس خوانی (مجلس شاعرانه و مجلس عالمانه)

(۲) فن بین المجلس خوانی

(۳) نوحه خوانی

(۴) دم خوانی

(۵) واحد خوانی

(۶) بحر طویل خوانی

(۷) زمینه خوانی

(۸) شور خوانی

(۹) شرر پاشی یا تکه خوانی

(۱۰) قصیده خوانی

(۱۱) مثنوی خوانی

(۱۲) دکلمه خوانی

(۱۳) مرصع خوانی

(۱۴) خود خوانی

(۱۵) ردیف خوانی

(۱۶) غریب خوانی

(۱۷) چارپایه خوانی

(۱۸) تازه خوانی

(۱۹) فن گریز یا پل سازی

(۱) مجلس خوانی

همانطور که در مقدمه این بخش ذکر شد مجلس خوانی دو گونه است.

الف: مداحی شاعرانه

بعد از اینکه مداح موضوع مداحی را انتخاب کرده که در چه موضوع یا محوری مدح و مرثیه یا شعر و سخنی اجرا کند به مرحله اجرا می‌رسد. مداحی شاعرانه از اول با شعر است و موضوعات مهم و جالب و ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد. و اجرای شعر با شواهد داستان و صحنه سازی و معنی کردن و مثال آوردن، تفسیر آمیخته با هنرها و شاهکارها و مضامین و زیبایی‌های ادبی بوده و موضوعات در ادبیات شعر گاهی در هر مصراع پراکنده و مختلف است. به انتخاب بیان، تفهیم، حسن سلیقه بسیار دیده و شنیده‌ایم. که مداحی با بیان جذاب يك موضوع و شعر و مضمون حساس و آتشین داشته ولی به علت عدم جذابیت بیان نتوانسته است تاثیر بگذارد. و لذا به همین علت مضمون را هم ضایع ساخته است.

ب: مداحی عالمانه

در اینگونه مداحی شروع مجلس بیشتر با استفاده از دعا، زیارت، خطبه، یا اشعار عربی یا روایات ولایی یا احادیث متناسب موضوع آغاز می‌شود. در این بخش از روایات جذاب استفاده می‌شود وقتی به روضه می‌رسیم. حالات و عواطف و احساسات به حد شورانگیز می‌رسد. در مداحی

عالمانه بیان و تاثیر و انتخاب زیبایی‌های گفتاری بیشتر پیرامون محورهای علمی، تاریخی، روایی و اخباری بوده و رساندن معارف و پیام و درس مکتبی در نظر مداح است که با زبان شعر و مرثیه بیان می‌شود. در مرثیه بیشتر از مقاتل عربی هستند استفاده می‌شود.

مضامین باید بر گرفته از روایات، احادیث، اخبار تاریخی باشد. در مداحی شاعرانه مداح راحت و آزادتر است ولی در مداحی عالمانه مداح باید در احادیث و اخبار و روایات کم و زیاد یا غلو نکند. از معصومین (علیهم السلام) سخنی بدون مدرک و شبهه ناک نقل نکند و قدرت استنباط داشته باشد. در مداحی شاعرانه اگر مداح مطالعه و سرمایه معلوماتی در مقاتل نداشته باشد با توضیح شعر مرثیه می‌تواند مجلس داری نماید. اما در مداحی عالمانه گفته‌ها عمیق‌تر و تحقیقی و کامل‌تر بیان شده و از حدی که در شعر به آن اشاره شده فراتر می‌رود. وقتی سخن به این جایگاه می‌رسد باید بگوئیم که مداحی يك مکتب است که معرفی آن هنر و هنرمند می‌خواهد.

(۲) فن بین المجلس خوانی

همانطور که از عنوان بحث مشخص می‌شود در این قسمت مداح خود آغاز کننده نیست. بلکه بین مجلس از مداح یا سخنران مجلس را تحویل می‌گیرد. و چند درجه دارد.

الف) بلافاصله بعد از واعظ اگر مجلس گرم و آماده است و سخنران روضه خوان و مرثیه خوان قهار باشد دیگر نیاز به مقدمه چینی نیست و باید در همان حال مجلس را اداره کند.

ب) در بین دعا یا زیارت یا ترجمه قسمتی از آن شعر یا روضه مناسب آن را انتخاب کرده که با شور و حال خاص خوانده می‌شود.

ج) بعد از مداح دیگری مجلس را تحویل گرفته به همان شکل بند الف باید ادامه دهد. اگر واعظ یا مداح قبلی مجلس را به حد اوج شور و حال رسانده‌اند در اینجا اگر مداح می‌تواند با فرود آمدن مجلس را گرمی بخشد مقدمه چینی آن هم با شعر خوب مانعی ندارد.

د) بعد از مداحی مجلس را تحویل می‌گیریم که وارد نوحه شده ما در اینجا باید واحد را شروع کنیم یا اگر نوحه به همان سبک داریم. يك یا دو بند و سپس واحد را ادامه دهیم.

ه) مداح قبل واحد را شروع می‌کند مداح بعد باید به همان سبک واحد بخواند که البته در این خصوص در ردیف خودی بیشتر بحث خواهیم کرد.

و) مداح قبل تمام مجلس را خود اداره می‌کند یعنی شروع، مرثیه، زمینه، نوحه، واحد و شور. سپس مداح بعد وارد می‌شود اینجا باید بسیار کوتاه در سه تا پنج دقیقه در شور و حال و اشعار طوفانی مجلس را ادامه و سریع به دعا ختم شود. چون معمولاً بعد از روضه و سینه زنی و شور کمتر افراد به روضه پایان مجلس توجه دارند البته این در همه مجالس یکسان نمی‌باشد. برخی از مجالس مثل بازار هیئت‌های قدیمی بیشتر به روضه آخر مجلس علاقه دارند.

تذکر ۱: بندهای مذکور در مجالس مدح هم کارائی دارد. و عزیزان باید در مولودی خوانی هم این قواعد را سر لوحه قرار دهند.

تذکر ۲: مداحان کار کشته در هر که مجلس را به آنها تحویل دهیم با خواندن چند بیت یا با سخنی یا شوری مجلس را به دلخواه به اوج یا فرود می‌آورد. که این کار هر کسی نیست.

(۳) فن نوحه سرائی و نوحه خوانی

یکی از مواردی که در مجالس اهل بیت از دیرباز مرسوم بوده نوحه خوانی بوده و نوحه خوانی در محرم بسیار گسترده می‌شود و هر کس با هر تیپ و سلیقه و سطح سواد حتی از افراد بی سواد نوحه هائی را با گوش دادن حفظ و می‌خوانند. و مشاهده می‌شده که برخی از نوحه از مضامین بسیار ضعیف و بعضاً از تحریف برخوردار بود. و یا هر سال تکرار می‌شد. گرچه تکرار برخی از نوحه نه تنها ایرادی ندارد بلکه در پوست و خون مردم است و انصافاً دل و قلب هر مستمعی را به خود جذب می‌کند مثل:

امشب شهادت نامه عشاق امضاء می‌شود. گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را، ای ساقی لب تشنگان ای جان جانانم. و از این قبیل نوحه که بستگی به عیار اخلاص نوحه سرا و نوحه خوان دارد.

به برکت انقلاب و دفاع مقدس و توجه ویژه شعرای مذهبی امثال حضرات آقایان حاج غلامرضا سازگار، حاج سید رضا مؤید حاج علی انسانی، نوحه‌ها هر سال از رشد کمی و کیفی خوبی برخوردار بوده است. و مضامین ضمن برخورداری از روح ادبی از امتیازات دیگر مثل برانگیختن احساس و عاطفه استفاده از مقتل و روضه و زبان حال‌های بسیار جذاب و شورانگیز استفاده می‌شود. و هر سال هم از سبک‌ها و وزن‌های جدید استفاده می‌شود. اما در چند سال اخیر متأسفانه برخی از کتب و جزوات به جای تقویت این مهم به جمع آوری شورهای با مضامین بسیار ضعیف و برخی هم دون شان اهل بیت و اهانت به ذوات مقدسه اهل بیت (علیه السلام). تشبیه کردن خاندان آل محمد (صلی الله علیه وآله) به گل و بلبل و گیاه و قناری و استفاده از سبک‌های مبتذل غربی و آهنگ‌های مبتذل آوازه خوان‌های قبل از انقلاب به بهانه جذب چند جوان و استفاده از عبارات شرک‌آمیز حسین اللهی، رقیه اللهی، زینب اللهی، انا عبدالرقيه، هر چه بادا باد علی پرستم من، روی آورده‌اند و کتب و جزوات هم با کیفیت بسیار پائین و قیمت گزاف به فروش می‌رسد. و اسمش را می‌گذارند ترویج فرهنگ حسینی یا علوی یا فاطمی پناه می‌بریم به خدا. البته انتقاد در این خصوص به نوشتن يك كتاب نیاز دارد. اما امیدواریم عزیزان مداح به این مهم توجه کنند. و عنایت داشته باشند که نوحه خوان واقعی کیست.

استاد ارجمند حاج علی انسانی در یکی از نوحه‌های جانسوز و نغز اینگونه سروده‌اند.

برسی نی سر تو - پای نی خواهر تو د

دختران سینه زنان - نوحه خوان مادر تو د

اولین کسی که برای اباعبدالله نوحه خوانی کرد. حضرت زهرا (س) بوده و لذا به ارزش این موضوع باید پی برد.

و نوحه خوان ضمن برخورداری از اخلاص و صلاحیت اخلاقی و عملی و ظاهری باید به کیفیت و مضامین نوحه توجه نمایند.

اما چند نکته راجع به فن نوحه خوانی

(۱) نوحه‌ها باید از مضامین جانسوز برخوردار بوده و دم (پاسخی که مستمعین می‌دهند) هر چه کوتاه‌تر باشد برای یادگیری بهتر است و زودتر مجلس نوحه به اوج خود می‌رسد.

(۲) استفاده از تحریر و تکرار برخی از مضامین باعث حزن و اندوه می‌شود و برخی از محافل هم مبدل به گریه و روضه می‌شود.

مثال در یکی از نوحه‌های جانسوز راجع به حضرت رقیه (س)

زد ز راه کین عدو (زخم قلبم را نمک) (۳) تکرار قسمت دوم از خط اول مستمع را آماده می‌کند برای شنیدن مصراع دوم زد ز راه کین عدو زخم قلبم را نمک - نام تو می‌بردم و او مرا می‌زد کتک د (۳)

یا در نوحه حضرت زهرا (س)

تو فتادی من نشستم، تو خمیدی من شکستم، از خجالت دیده بستم

مستحضرید تکرار مضامین مذکور اوج مصائب و دردهای دل مولا امیرالمومنین (علیه السلام) می‌باشد و باعث شدت حزن مردم می‌شود.

(۳) برای تسلط بر نوحه خوانی نوحه را باید چند بار قبل از مجلس مرور کرد.

(۴) جدا از نوحه‌هایی که شائبه هتک حرمت اهل بیت (علیهم السلام) است و یا از سبک‌ها و آوازهای مطرب استفاده می‌شود خودداری شود.

(۵) متناسب با مضامین و موضوع نوحه باید واحد خوانده شود.

(۶) اوج و فرود در نوحه خوانی باعث زیبایی نوحه می‌شود.

(۷) در برخی از نوحه‌ها و بعضی از شبها مثل شام غریبان، شب شهادت برخی از ائمه اطهار (علیه السلام) در پاسخ و یا بعضی از بندهای نوحه از مستمع خواسته شود دو دست بر روی سر بیاورند

که در تقویت حزن نوحه خوانی موثر و مفید است.

ادامه بحث نوحه و دم خوانی

با توجه به اهمیت نوحه و دم خوانی و پیشنهاد یکی از دوستان در صدد برآمدیم. راجع به این دو عنوان از فنون کمی تخصصی‌تر بحث نمائیم. و مناسب دیدم از مباحث ارزشمند حاج علی انسانی

خوشه بچینیم و لذا مطالب ذیل از گفتار ایشان با مقداری دخل و تصرف مناسب حال این نوشتار از نظر مخاطبان محترم می‌گذرد. و با این تك بیت آغاز می‌نمائیم.

دل حسینیة نفس نوحه، طیش سینه زنی است - دم بگیریم که عمر همه يك دم باشد د
در رابطه با کلمه دم و نوحه که معمولا هر دو با هم و مترادف هم می‌آورند. اما هر کدام معنای خاص خود را دارد. و دو معقوله‌ای جدای از هم است. دم را می‌شنوند و معمولا مستمعین آن را تکرار می‌کنند و پاسخ می‌دهند. ولی نوحه به معنای زاری کردن است در اصطلاح کلمه دم در لغت نامه دهخدا معنای گوناگونی دارد. که به بعضی اشاره می‌شود. م به معنای نفس و هوای است که با حرکت آلات تنفس در شش‌ها داخل و خارج می‌شود و به آن دم و بازدم می‌گویند.

ذکر من هر دم یا حسین هر بازدم یا زینب است

سعدی می‌فرماید: هر تنفس که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برآید مفرح ذات.

دم به معنای کلام و صدا نیز آمده مثل خجسته دم، فسرده دم.

دلش پر غم و درد بینم همی - لبش خشك و دم سرد بینم همی د (فردوسی)

دم ز خواهش چون مصفا شد دم عیسی شود - دست چون شد از طمع کوتاه ید بیضا شود د (صائب)

دم به معنای لحظه دمی به آسایش برآوردن - هر دم از این باغ بری می‌رسد د (سعدی)

دم به معنای دعوت، ادعا و لاف و در محاوره می‌گویند فلانی دم از مردانگی می‌زند.

بیهوده چرا هر که زند لاف تجرد - هر بی پدری عیسی مریم شدنی نیست د (صابر همدانی)
دم در لسان عرب به معنای خون است.

در نتیجه دم به چند کلام در وزن‌های مختلف عروضی می‌گویند که مداح برای عزاداران و سینه زنان با نوای خاصی می‌گویند و با همان شیوه و آهنگ که می‌شنوند به صورت جمعی جواب می‌دهند. گاهی دیده شده که دم در دسته‌های عزاداری آنچنان توجه را جلب می‌کند که در کوچه و بازار و خیابان اشخاص رهگذر را هم تحت تاثیر قرار داده و به آنها پیوسته‌اند و دم می‌تواند محور نظم و یکپارچگی از مبدا تا مقصد باشد.

اگر در سروده‌ها دقت شود نتایج مثبت فراوانی را به همراه خواهد داشت.
اما نوحه

در فرهنگ نوحه به معنای بیان مصیبت و گریه کردن با آوای بلند آمده در لغات هم به معنای آواز ماتم و شیون و گاهی به معنای ندبه، مویه گری و زاری در عزای عزیز از دست رفته آمده است.

چرخ گردون بسی بر آورده است. نوحه و نوحه گر ز معدن سور

گر بود در مجلسی صد نوحه گر - آه صاحب درد را باشد اثر د (عطار)

کوتاه سخن اینکه دم کار ذاکر است و مداح و نوحه کار مستمع و اگر در چارچوب باشد. شنونده به نوحه کردن تشویق و ترغیب می‌شود. و اگر از زاویه حماسی و مکتبی و فخامت زبان کم رنگ باشد اما خاصیت تاثیر گذاری بر عواطف داشته باشد کوشش لازم را به فخامت آن می‌دهد.

يك مرد مانده بود و کران تا کران عدو - يك تیر مانده بود و جهان تا جهان نشان د

در پایان شایسته است تا آنجا که ادب و آداب می‌طلبد در اینگونه سروده‌ها از تعبیر تحقیرآمیز و موهن مطالبی که در شأن عزیزان خدا نیست پرهیز شود. در غیر این صورت عمر سروده‌ها کوتاه خواهد بود و سراینده آن بی پایگاه.

۴) فن دم خوانی

دم خوانی یعنی مداح شعری آهنگین و موزون را بخواند و مستمع یا با او هم خوانی کند یا با يك مصراع و يك جمله و یا کلمه یا اسم و ذکر به او پاسخ دهند.

۱) جانم علی ای جان جانانم علی. مستمع این ذکر را می‌گوید و مداح شروع کند بندهایی را در همین وزن می‌خواند.

۲) شرف معیار و ایثار حسین است.

هدف آمال و افکار حسین است در اینجا مستمع آخر شعر را (حسین است) تکرار می‌کند.

۳) نشر حقایق را بین قرآن ناطق را بین.

مادر بیا مادر بیا احوال صادق را بین واولیتا، واولیتا. در این قسمت مستمع با ذکر واولیتا به کمک مداح می‌شتابد.

(۴) گل رنگ بو ندارد آبی به جوی ندارد روکن به هر که خواهی گل پشت رو ندارد یابن‌الحسن یابن‌الحسن

مستمع فقط ذکر یابن‌الحسن را تکرار می‌کند البته موارد زیادی از انواع دم وجود دارد که ما به همین چهار مورد بسنده می‌کنیم.

چند خاصیت دم خوانی

(۱) در بین المجلس خوانی بسیار استفاده می‌شود و مفید هم واقع می‌گردد.

(۲) یکی از موفقیت مداح این است که بتواند از ابتدا مجلس دل و زبان مستمع را با خود همراه کند یعنی از مستمع کار بکشد. و در صحنه مداحی بوده و حواسشان جای دیگر نباشد. بهترین روش دم خوانی است که موقعیت را به وجود می‌آورد.

(۳) برای مداحان تازه کار و نوجوان که معمولاً اضطراب دارند بسیار مفید است صدای مردم با صدای مداح ادغام شده و يك هم خوانی ایجاد می‌شود تا مداح تازه کار به تدریج مسلط شود. و در مواقع سکوت با شجاعت و بدون اضطراب به کار خود ادامه دهد.

(۴) حسن دیگر این است تا مردم پاسخ یا ذکر را می‌گویند مداح در این فاصله تنفس نموده و برای ادامه مجلس آمادگی لازم را کسب می‌کند باید توجه داشت اشعاری که برای دم خوانی انتخاب می‌شود. باید ساده، روان، همه فهم و زود فهم باشد. تا بلافاصله مستمع آن را یاد بگیرد و با مداح بخواند و لذا باید مواظب بود در دم خوانی اشعار سنگین الفاظ و تشبیهات مبهم و کلمات خشن و غیر عاطفی نباشد در اینجا روح عاطفی و احساسی باید بیشتر از روح ادبی باشد البته مطلقاً از الفاظ ضعیف استفاده نشود.

(۵) فن واحد خوانی

واحد معمولاً بعد از نوحه خوانده می‌شود. و باید از ویژگیهای ذیل برخوردار باشد.

الف) شعر واحد آتشین و جانسوز و دارای روح حماسی باشد.

ب) معمولاً اشعار در قالب مثنوی بیشتر در واحد خوانی کارایی دارد.

ج) استفاده از میان دار مجرب در واحد بسیار موثر است.

واحد خوانی معمولاً سه شکل است.

(۱) مداح چند بیت را مستمر خوانده و بعد از چند بیتی با آهنگ مناسب و به مقتضای حال مجلس سینه زنی پاسخ از مستمع می‌گیرد.

(۲) مداح هر مصراع یا بیتی را خوانده بدون فاصله مستمع پاسخ می‌دهد.

(۳) مداح شعری را به طور کامل اجرا می‌کند و در پایان متناسب با وزن همان شعر وارد شور می‌شود.

در واحد خوانی هم فنون بین المجلس خوانی باید مراعات شود.

تذکر: اگر مستمع خوب و سرحال بود خوب است شعر مرثیه‌ای و دارای معانی مقتل خوانده شود تا بین سینه زنی اشك هم باشد اگر غیر از این باشد نباید شعر مرثیه‌ای خوانده شود و بیشتر از اشعار مدحی و ساده استفاده شود.

(۶) فن بحر طویل خوانی

بحر طویل خوانی از فنون قدیمی در مداحی به شمار می‌رود. که مداحان قوی و برجسته قدیمی بیشتر استفاده می‌کردند زیرا حفظ کردن و خواندن بحر طویل تبحر خاصی می‌خواهد. که معروفترین آن شیر سرخ عربستان وزیر شه خویان که در پایان مراسم سینه زنی خوانده می‌شد و سینه زنان پاسخ می‌دادند شه با وفا ابوالفضل صاحب لقا ابوالفضل

متأسفانه به جای اینکه روز به روز فنون ما شکل بهتری پیدا کند به آفتی گرفتار شدیم که بهتر است نام آن را سبك گرائی و سبك پردازی بگذاریم. به هر حال بحر طویل امروز خیلی کم اجرا می‌شود. مگر توسط میانداران قدیمی و مداحان قدیمی که امروز شورهای بی محتوا جای آن را گرفته است. برای استفاده عزیزان يك نمونه کامل از بحر طویل را در اینجا می‌آوریم.

بحر طویل راجع به حر علیه الرحمه
از غلامرضا سازگار

در صف و کرب و بلا لشکر شیطان چو مصمم شدی از جور و جفا در پی قتل پسر احمد مختار بهین
حجت دادار ولی الله ابرار یگانه پس حیدر کرار در آن مرحله حر بود گرفتار فتاده به تنش لرزه در آن
عرصه پیکار به دل داشت زغم آه شرر بار گهی بخت به جنت کشدش گه بسوی نار سرشکش به
رخ و گفت که ای قادر جبار، من و جنگ حسین ابن علی رهبر احرار به ذات احد داور غفار که هرگز
نکنم رو بسوی نار، به ناگاه چو خون یکسره جوشید و خروشید همه هستی خود باخت فرس تاخت
بسوی حرم یوسف زهرا و به لب داشت بسی ذکر و دعا را

حسین جان توبه کردم بیا دور بگردم د
تویی درمان و دردم د

پسر فاطمه فرمود که ای حر ریاحی تو دگر حر حسینی یار ام الحسینی تو بربری تو زهیری تو
علی اکبر و عباس رشیدی تو همه صدق و صفایی تو همه شور و نوایی تو دگر از شهادی تو گل
سرسید کرب و بلایی تو دگر توبه نمودی تو به ما چهره گشودی زهی از حسن ختام زهی از قدر
و مقام زهی از شور کلامت زهی از مشی و مراحت چه شود تا که بیایی به برما و
بینی کرم و عفو خطا را - صفا آوردی ای حر د

چها آوردی ای حر د

حر چو دید آنهمه لطف و کرم و بخشش و احسان و عطا گفت: که ای شمس هدی نور خدا سید
خیل شهداء لحظه ای آرام نگیرم ایدا تا که شود از بدنم روح برون راس جدا اذن کرم کن که روم جانب
میدان و به راه تو دهم جان، و شوم کشته در این دشت بلا با لب عطشان من اگر راه تو بستم دل
زار شکستم به خدا از تو و از زینب و عباس و سکینه خجل استم بلکه جبران کنم از داد جان جرم و
خطا را

حسین جانم فدایت بمیرم من برایت - فدای خاک پایت د

چون گرفت اذن در آن دشت بلا گشت پر از نور و لا تاخت به سوی یم لا داد بر آن قوم ندا گفت که
ای قهر خداوند جزاتان بنشیند همه مادر به عزاتان که دل فاطمه شکسته و به روی پسرش آب
ببستند شما کافر و پستید شما کفر پرستید من امروز دگر حر فداکار حسینم به خدا یار حسینم که
به ناگاه یکی نعره کشید از جگر و تیغ کشید از کمر و گشت سراپا شرر و ریخت تن و دست و سرو
داد ندای ظفر و رفت که نابود کند یکسره آن قوم دغا را

شجاعت زنده گردید وفا پاینده گردید - عدو شرمنده گردید د

دشمنان یکسره گفتند که احسن به چنین غیرت و انی همت و این عزت و این صولت و این هیبت
و این قدرت و این نیرو این بازو این عزم و صلابت که به هم ریخت بسی میمنه و میسره را خصم
فراری شده با خفت و خواری همه با شیون و زاری فلك انگشت به لب ماند و ملك نعره تکبیر زد و تا
که شد از زخم فراوان تن پاکش چو زره تاب زتن داد و فتاد از سرزین خواند شه ارض و سما را

حسین جان کنم قبولم ببخشا به بتولم - به اولاد رسولم د

یوسف فاطمه آمد سوی میدان سر حر را زوفا بر سردامن بگرفت و نگه از لطف و کرم کرد بر آن
کشته آزاده دلداد و فرمود که ای حر تو دگر شهیدی چه نکو مادر تو نام تو حر گفت دگر همدم مایی
شريك غم مایی تو هم محرم و هم محرم مایی و تو همه صدق و صفایی تو سفیر شهادی تو دگر
پاك زهر جرم خطایی ز تو گیرند دگر اهل وفا درس وفا را

تو دیگر حر مایی شهید کربلایی - همه صدق و صفایی د

(۷) فن زمینه خوانی

زمینه خوانی معمولاً برای آمادگی بیشتر سینه زنی قبل از نوحه خوانده می شود. و مداح آرام آرام
شروع به خواندن می کند تا به تدریج سینه زنی شکل بگیرد. در این حالت مستمعین نشسته سینه
می زنند. رعایت چند نکته در این قسمت الزامی است.

۱) ذکرهایی زمینه کوتاه باشد تا مستمع بلافصله یاد گرفته و جواب دهد اگر مطلب و دم طولانی باشد هم مستمع هم مداح به مشقت افتاده و از هدف یعنی آماده سازی و زمینه چینی سینه زنی دور می افتد.

۲) استفاده از اشعار جانسوز که حتی در بین زمینه حالت حزن و اندوه و همراه با گریه باشد. خیلی مناسب است.

۸) فن شور خوانی

شورخوانی از قدیم مرسوم و معمول بوده ولی بعد از انقلاب به لحاظ برپایی محافل شهدا اعم از تشیع شهدا به ویژه شهدای برجسته انقلاب مثل حوادث هفتم تیر، هشتم شهریور شهادت شهدای محراب، رواج بیشتری یافته و به شکل ها و آهنگ ها و سبک های مختلف خوانده می شود. شور خوانی بعد از نوحه و واحد اجرا می شود. و سینه زنی تند و در برخی از موارد، از حال و هوای طبیعی خارج شده و غرق ذکر می گردند که عموماً جوانان عزیز بیشتر به این بخش علاقه مند هستند. اما امکانات مهمی در شورخوانی وجود دارد که باید حتماً مراعات شود.

۱) حتماً بعد از نوحه و واحد خوانده شود.

۲) جدا از مضامین موهن و شرك آمیز (حسین الهی، علی الهی، انا عبدالرقيه یا الفاضلی که احساس لات منشی و کوچه بازاری می رود مثل باهاتم، چشاتم، پرهیز شود.

۳) حتماً شورخوان خودش در اوج شور و حال باشد.

۴) مضامین مورد استفاده در شور با معنوی، عاطفی و احساسی داشته باشد تا به حزن و اندوه فراوان شورخوانی صورت پذیرد.

۵) سینه زدن طوری نباشد که مورد وهن قرار بگیرد. باید میان دارانی تربیت کرد که کنترل سینه زنی بخصوص در قسمت شورخوانی را به دست بگیرند.

۶) البته دردهای فراوانی در زمینه شورخوانی وجود دارد چون مبنای ما در این انتقاد نیست و بیشتر آموزش است لذا از ذکر آن پرهیز می نماییم. (خلاصه کلام اینکه شور باید همراه با شعور باشد).

۹) فن شرپاشی یا تکه خوانی

این فن از فنون بسیار مشکل، دشوار، استادانه و هنرمندانه است و اگر کسی به ویژگیها و خصوصیات آن آشنا نباشد مجلس گرم را به سردی می کشاند. زیرا فن تکه خوانی یا شرپاشی باید موجب گرمی و افزایش شور و حال مجلس شود.

در شرپاشی یا تکه خوانی به موارد ذیل باید توجه شود.

۱) مداحی در حال خواندن شعری است که مداح استاد و کارکشته و با تجربه به تناسب و مقتضای حال و مضمون و مرثیه و گفتاری خوانده می شود. گفته ای داغ تر و یا زیباتر با سبک و حال خاصی بیان مداح را قطع نموده و به شکل جذاب باعث دگرگونی محفل می شود.

مثلاً مداحی در حال خواندن این شعر است:

ای زجمالت فروغ حق متجلی - خاک مزارت بهشت اهل تولی د

سینه و دست تو بوسه گاه پیمبر د

اینجا مداح استاد که در مجلس حضور دارد می گوید پس میخ دور تازیانه دشمن آنجا چه می خواست. پس شیطان در بیت حی تعالی چه می کرد. یادم نمی رود در محفلی مرحوم محمد علی مردانی که وارد محفل شد. چون پیرومرد بود. مداحی که در حال اجرای برنامه بود اعلام کرد که حاضرین راه را باز کنند آقای مردانی تشریف بیاورند جلو. مداح استادی سخن را قطع کرد و گفت یا فاطمه يك پیر غلام وارد مجلس شد می گویند راه را باز کنید. ای کاش يك نفر در مدینه بود می گفت راه را باز کنید تا دختر پیامبر عبور کند. و صدها موارد از این قبیل محافل که حتماً دوستان یا دیده اند و یا شنیده اند.

۲) مواردی در تکه خوانی یا شرپاشی دخالت دارد.

مستمع شناسی، حالت شناسی، شعرشناسی، قدرت بیان، لحن و آهنگ مناسب، زمان‌شناسی، جایگاه و پایگاه مداح در مستمع، روان بودن و گرم بودن گفتار یا شعر، مطالب و اشعار کوتاه و جانسوز و آتشین.

(۳) در بعضی از هیئت‌ها و شهرستانها این موضوع برای مردم تازگی دارد. و اجرای این فن شاید اثرات منفی داشته باشد.

(۴) برخی از شررپاشی و یا تکه خوانی به حالت نمایش است. مثلا آوردن گهواره و یا بچه شش ماهه در روضه حضرت علی اصغر، حضور دختر بچه سه ساله محجبه در محفل حضرت رقیه (س) حضور پدر شهید در روضه حضرت علی اکبر (علیه السلام).

(۱۰) فن قصیده خوانی

قصیده خوانی یکی از فنون برجسته مداحی است و مداحان قدیمی بیشتر به این مسئله می‌پرداختند. و عموماً قصیده خوانی مورد نظر و تأیید ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. زیرا در شعر شعرای بزرگ مثل سید حمیری، فرزندق حسان بیشتر قصیده را مشاهده می‌نمائیم. قصیده خوانان از مداحان پر مایه محسوب می‌شوند. زیرا شاعر در قصیده سعی دارد به موضوعات اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حماسه، معارف، داستان و فضائل و مدایح و مناقب اهل بیت علیهم السلام بپردازد و مستمع شنیدن يك قصیده آنچه نیاز دارد به او می‌رسد.

برای نمونه قصیده غدیریه حاج غلامرضا سازگار را در جلد ۱، نخل میثم، قصیده مدیحه حضرت زهرا (س) را در کتاب جلوه‌های رسالت سید رضا مؤید با مطلع

اول دفتر به نام خالق اکبر - آنکه سزد نام او در اول دفتر د
مطالعه نمائید تا بر این ادعا مهر صحه بنهید.

و اما ویژگیها و نکات مورد نیاز در قصیده خوانی

(۱) در قصیده خوانی مجلس زودتر به مقصد و نتیجه نزدیک می‌شود و نیازی به مقدمه و مؤخره نمی‌باشد. همه کار با شعر انجام می‌شود و توضیح و روضه هر موضوع با همان شعر انجام می‌شود و توضیح و روضه هر موضوع با همان شعر ادا می‌شود.

(۲) مستمع مطالب بیشتری را می‌فهمد و به بیراهه نمی‌رود و در واقع منحرف نمی‌شود.

(۳) مداح باید برای پیاده کردن قصیده به مضامین دقت کند اگر حماسی است محکم بخواند اگر عاطفی است ملایم بخواند. استفاده از حرکات دست در قصیده خوانی زودتر مستمع را به محتوی قصیده آشنا می‌نماید.

(۴) چون قصیده طولانی است باید شعر را طوری خواند که مستمع احساس کسالت و خستگی نکند.

(۵) اگر قصیده پیوسته است و موضوعی است نباید ابیات آن حذف شود.

در آخر باید متذکر شد که قصیده خوانی مطلوب است که متأسفانه به فراموشی سپرده شده است و کمتر مداحی قصیده خوانی می‌کند.

(۱۱) فن مثنوی خوانی

مثنوی یکی از قالب‌های شعری مشهور در شعر فارسی است. اشعار فارسی در قالب فوق بسیار در مداحی اهل بیت (علیه السلام) کاربرد دارد و شعرای معاصر در این قالب اشعار و مدح و مرثیه زیاد سروده‌اند. که بیشتر آنها در شعر آقای غلامرضا سازگار و حاج علی انسانی، سید رضا موید، شفق و سایر شعرا دیده می‌شود. اما نکاتی چند راجع به مثنوی خوانی:

(۱) مثنوی در مدیحه خوانی بسیار جذاب است. چون بعضاً هر بیت معنی خاص خود را دارد. و معمولاً از زیبایی خاصی برخوردار است.

(۲) در شعر مرثیه، مثنوی، اگر شعر خوب باشد. و معانی خوانده شود شاید کمتر به روضه نیاز باشد مانند: هر چه نیرو داشتم بردم به کار - تا نبیند غنچه‌ام آسیب خار د
یا مثلاً: خطاب به حضرت زینب (س) می‌گوید:

به کربلا با توجه تقدیر کرد - که داغ يك روزه تو را پیر کرد د.

۳) شعر مثنوی در بین المجلس خوانی واحد خوانی، ردیف خوانی و مجلس خوانی از آن استفاده می‌شود.

۴) اگر برخی از ابیات مثنوی را فراموش کنیم به شرط اینکه پیوسته موضوعی در آن نباشد. به چشم نمی‌آید. و در واقع ایرادی ندارد.

۵) مثنوی یکی از شعرهایی است که می‌توان با استفاده از آواز موسیقی مثل دشتی، شور و... آن را خواند که البته بحث هر کدام متفاوت است و ما اینجا بنا نداریم به موسیقی بپردازیم. ۱۲) فن دکلمه خوانی

خیلی از افرادی هستند که صدای خوبی ندارند ولی شعر مدح و مرثیه را شاعرانه دکلمه خوانی کرده و با هیجان و احساس و نمایش رفتاری و گفتاری غوغایی به پا می‌کنند که مداحان خوش صدا نمی‌توانند آنگونه اجرا کنند. دکلمه خوانی در مداحی ویژگی‌هایی دارد که برخی از آنها ذکر می‌شود. ۱) اگر کسی از سرمایه صوتی محروم است می‌تواند از این شیوه استفاده برده و مداحی کند. ۲) هنرنمایی در اجرای این فن بسیار موثر است. و لذا نقش احساس هیجان و تفهیم در شعر بسیار کارائی دارد.

۳) اگر در مجلسی همه هنرنمایی صوتی کرده باشند و مداحی دکلمه خوانی کند موفق‌تر خواهد بود. اگر به مرثیه‌اش گریه کنند یا نکنند یا به شعر او کسی پاسخ هیجانی بدهد یا ندهد هرگز به اعتبار و آبروی گوینده لطمه وارد نمی‌شود.

۴) رفتار و حرکات نمایشی در تفهیم شعر و مضامین آن بسیار مؤثر و بر معدل کار مداح می‌افزاید. ۵) اگر مداح دکلمه خوان، خودش به گریه و سوز و شور و حال و اخلاص درونی آمیخته باشد، دکلمه خوانی او تاثیر بسزایی دارد. و کمبود صوت آهنگ را جبران می‌کند. و اگر دکلمه خوانی خشک باشد، مسئله بر عکس خواهد بود.

۶) تقلید از شعرای معاصر در دکلمه خوانی چندان موفقیت‌آمیز نبوده و در برخی از محافل هم تمسخرآمیز است.

۷) صداها ضمیمه و گرفته و رگ‌دار طبیعتاً محزون و بغض‌آلود بوده و در مداحی دکلمه خوانی مخصوصاً برای اجرای مرثیه بسیار مناسب است و در دکلمه خوانی هم اینگونه صداها بسیار موثر و جذاب است البته اینگونه صداها خدادادی است و کسی به زور نمی‌تواند از راههای خطا و نامشروع صدایش را به این حالت در آورد.

۸) هر چه سن و سال مداح دکلمه خوان جا افتاده و مسن‌تر باشد تاثیر آن بیشتر و دل‌نشین‌تر خواهد بود.

۹) تقوی و وقار و متانت در مداح دکلمه خوان بیشتر موثر است. چون عموم مردم این نوع مداحی را استادانه تلقی می‌کنند. باید بیشتر ظواهر امر و تقوی درونی را مراعات نمایند.

در نتیجه دکلمه خوانی نوعی مداحی است. و حتی در مقتل خوانی هم این روش بسیار موثر موثر است. برخی وعاظ از این طریق روضه خوانی بدون صوت دل‌های زیادی را منقلب می‌کنند. ۱۳) مرصع خوانی

یعنی مداحی شعر و نثر را آمیخته اجرا می‌کند. که این بیشتر در مداحان قدیمی مرسوم بود. یعنی قبل از شروع مداحی یا در بین آن یا آخر مداحی سخنوری هم می‌کند. که مورد اعتراض وعاظ و برخی مستمعین هم واقع می‌شود که شما برای مداحی دعوت شده‌اید یا سخنرانی از زمانی که مداحی در کشور رشد کرده کمتر از اینگونه مداحان استفاده می‌شود. متأسفانه برخی از مداحان به ویژه در مراسم ختم با پرگوئی، تمجید از اشخاص و مدح متوفی و نصیحت‌های تکراری تعرف خاطرات شخصی، خودستائی‌های گوناگون وقت مردم را می‌گیرند. و مردم هم اعصابشان به هم ریخته و در دورن شروع به بدگوئی می‌کنند. شکی نداریم که برخی از مداحان اینقدر مطالعه دارند که کمتر از يك واعظ نیستند. لیکن توصیه این است چون مداحی و سخنرانی دو مقوله جدای از هم می‌باشند، سخنرانی را در محافل خاص جدا اجرا نمایند و مداحی را هم در جایگاه خود، که مورد اعتراض مردم و روحانیون و وعاظ نباشیم.

و متأسفانه دیده شده برخی از مداحان جوان به مردم در مجالس امر و نهی کرده و می‌گویند از بس گناه کرده‌اید قسی القلب شده‌اید یا مثلاً می‌خواستم شعری را بخوانم، مجلس اقتضا ندارد می‌ترسم حقش ادا نشود.

یا مثلاً اگر کسی گریه نمی‌کند تقوی ندارد. آقا خودش اهل تقوی نیست، هم دیده شده و هم شنیده‌ایم مداحی جوان نماز نمی‌خواند و شب در مجلس می‌شود امامزاده. البته گاهی لازم است مداح، مجلس را بسازد. مردم را جلو بیاورد. یا آنکه بی‌تفاوتند را متمرکز نماید و مجلس را احیا کند. مداح باید با گفتن احادیثی راجع به اشک، شعرهایی در فضیلت گریه با احترام خاص و با تشویق مستمع را جذب نماید.

۱۴) فن خودخوانی

خودخوانی مهارتی است در مداحی که هر کسی نمی‌تواند آن را اجرا کند مگر خیلی در بیان و تفکر و معلومات و هنر سخنوری و ربط سخنان موروثی اکتسابی بهره‌ای داشته باشد.

خودخوانی یعنی اینکه مداح چه در شعر و چه در مرثیه خوانی سخنان و یا گفتارهایی را داشته باشد که از دیگران نباشد یعنی نقل قول و حدیث و روایت نباشد. از خودش و زائیده فکر شخصی باشد و هر چه که در دل و زبان و مغز می‌پرورد بیان کند. نکاتی راجع به خودخوانی

۱) از زبان خود اهل بیت اظهار محبت با شعر یا سخن داشته باشد.

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهیم - این گنج پربهاست - ارزان نمی‌دهم د
یا مثلاً:

چه شود که بر سر من به دم ممات آیی د

۲) خودخوانی اگر از خاندان معصومین علیهم السلام به یکدیگر باشد. قواعد و حدود و سقور خاص دارد. و در این قسمت کار سخت و چارچوب تنگ‌تر خواهد شد. و لذا هر کسی با هر طریق و هر زبان و بیانی که دل تنگش می‌خواهد نمی‌تواند ائمه و خاندان آن بزرگواران را مخاطب قرار دهد. پس باید نسبت به آنان آداب و قواعدی که خودشان آموخته‌اند دقت و رعایت کرد. بعضی‌ها معیار را داستان موسی و شبان می‌دانند. اگر چه آن داستان زیر سوال است و با اعتقادات راسخ و ناب شیعه موافق نیست و مومرد شك و نقد و بررسی و تفهیم می‌باشد. اگر این گونه بود بی‌عقل‌ها با خردمندان یکی بودند و میان يك فرد عادی با پیامبر یا يك امام و یا یکی از ما فرقی وجود نداشت. لذا معیار ما قرآن و اهل بیت علیهم السلام هستند. امام معصوم می‌فرماید: هر کس به اندازه استعداد و عقلش سنجیده و مورد سوال خواهد بود.

۳) برخی از مداحان و شعرا خیلی عامیانه کلمات و جملات زمان را به زبان لات‌منشی و بسیار ضعیف بیان کرده و گاهی هم دیگر از حد گذرانده و به زشت‌گویی می‌رسد که انسان از شنیده و بیان آن شرم دارد. مثل اوستا کریم، آخدا، قریونتم، فدات شم، قریون چشات و از این عبارات که زیاد است.

در صورتی که خداوند متعال را که در این همه ادعیه با عظمت یاد می‌کنند امیرالمومنین (علیه السلام) خداوند را الهی، سیدی و مولای و ربی خطاب می‌کند. این همه عبارات بزرگ و پر معنی در دعاهاى مختلف مخصوصاً جوشن کبیر، مجیر، مشلول و... بکار رفته است.

۴) برخی از خودخوانی‌ها در حدود اعتقادات نیست و از حد شرع خارج است. مثلاً

تا امام حسین (علیه السلام) شفاعت نکند به طرف بهشت نمی‌روم (بی‌حسین بهشت نمی‌خواهم) (به خدا جواب نمی‌دهم جوابم حسینه) باید چیزی گفت که مبنای دینی و اعتقادی داشته باشد.

اگر خدای نباشد زبنده‌ای خشنود - شفاعت همه پیغمبران ندارد سود د

باید توجه کنیم زنجیر زدن، سینه زدن، گریه کردن محبت به اهل بیت است و اینطور نیست که هر گناهی را خواستیم انجام دهیم و منتظر شفاعت اهل بیت باشیم. در سوره مدثر داریم که شفاعت شفیعان شامل حال چند گروه نمی‌شود.

یا مثلاً می‌گویند انا عبد الرقیه، من حسین اللهم. ما در سلام، به امام حسین (علیه السلام) السلام عليك یا ابا عبدالله (سلام بر تو ای پدر بندگان خدا) یا در شهادتین می‌گویم اشهد ان محمد

عبده و رسوله یعنی عبودیت نزد خدا از رسالت و امامت بیشتر ارزش دارد. اگر حضرت رسول به پیامبری برگزیده شد به لحاظ عبودیت محض آن حضرت بود. امام به واسطه عبودیت به مقام امامت می‌رسد.

برخی هم می‌گویند حسین جان بهشت کجا و کوی تو کجا، باید گفت همه انبیاء و اولیاء در حسرت بهشت هستند. زیرا قرآن بهشت را محل رحمت الهی معرفی فرموده است.

۵) نباید با وجود آن همه گفتارهای نورانی خدا، اهل بیت (علیه السلام)، اشعار و مدایح عالی انسان وقت مردم را برای گفته‌ها پوچ و بی‌اعتبار و بی ارزش بگیرد، و ضایع کند.

۶) يك نوع خودخوانی وجود دارد. مداح از خود اعلام نظر می‌کند. مثلاً می‌گوید.

اجازه بدهید من جای زینب جواب مادرش را بگویم.

ما کجا و حضرت زینب (س) که جواب او را بدهیم.

۷) خودخوانی در دعا خواندن

مثلاً در حال خواندن دعا می‌گویند:

خدایا چرا مرا خلق کردی، حالا که خلق کردی چرا می‌خواهی بسوزانی؟ اگر بسوزانی مگر به تو چیزی اضافه می‌شود. و اگر عفو کنی چه چیزی از تو کم می‌شود؟ برخی از عبارات در مرز کفر و بی‌ایمانی است. ما اسم آن را حدیث نفس و حرف دل و یا گفتگو با خالق گذاشته‌ایم و لذا دقت در این زمینه بسیار ضروری است.

۱۵) ردیف خوانی

ردیف خوانی در مداحی از فنون بسیار مهم و برجسته است. و در قدیم بیشتر مرسوم بوده است و برخی از مداحان فعلی مشهد و برخی از گذشتگان به این هم توجه ویژه داشته‌اند. دوستان مداح اگر این فن را در مجالس پیاده کنند خواهند دید به اوج، عظمت و شور و حال مداحی و نظام و یکپارچگی مجالس افزوده می‌شود. و به شرح ذیل است.

۱) واعظ هر روضه‌ای را که خوانده است مداح هم همان موضوع را ادامه دهد.

۲) واعظ هر روضه‌ای را که خوانده است مداح هم همان موضوع را ادامه دهد.

۳) هر مداحی که قبلاً خوانده است. مداح بعد در همان ردیف و قافیه شعر بخواند. حال شعر غزل باشد یا قصیده یا مثنوی یا روضه باشد. مثلاً اگر گودال قتلگاه خوانده شد، مداح بعد گودال بخواند.

۴) مداحی شعر روضه‌ای می‌خواند، مداح بعد پاسخ آن را می‌دهد.

۵) از اشعاری استفاده کنند که هم معنی و مشابه شعر مداحی قبلی باشد.

۱۶) فن غریب خوانی

فن غریب خوانی همانطور که از عنوان آن مشخص است مداح شخصیت‌های پنهان و غیر معروف را معرفی می‌کند بعضی از محافل در شهادت است و برخی از ائمه اطهار (علیه السلام) مانند حضرت باقر، حضرت صادق، حضرت امام هادی، امام حسن عسکری علیه‌السلام، حضرت ام‌البنین، ام‌کلثوم، حضرت خدیجه علیهما‌السلام یا شهیدایی مثل بریر، مسلم بن عوسجه، حبیب، عابس بن شیب، یا اصلاً خوانده نمی‌شود یا کمتر توجه می‌شود. دیده شده شب شهادت امام باقر (علیه السلام) مداح با يك غزل توسل به امام زمان (عج) بسیار مختصر در چند دقیقه، اسمی از امام برده و به بهانه علاقه ائمه به روضه حضرت زهرا (س) یا اباعبدالله مجلس را به آن سمت سوق می‌دهند. البته منکر این نمی‌شوم هر مجلس باید با نام ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ختم شود لیکن حق هر امام معصوم، باید در جایگاه خودش ادا شود.

عمل ذیل سبب می‌شود تا مراثی بعضی ائمه یا شخصیت‌ها کمتر خوانده شود.

۱) برخی می‌گویند شخصیت‌های مذکور آنقدر ماجرا ندارند که بتوان مدتی در مجلس از آنها مداحی کرد. در صورتیکه این تصور کاملاً اشتباه است. برای هر کدام از شهدای کربلا می‌توان يك مجلس کامل اداره کرد. برای ائمه غریب هم از چند مجلس فراتر.

۲) عدم آگاهی و اطلاع و توجه برخی شعرای مذهبی به موضوعات و شخصیت‌های غریب، مداحان هم وقتی دیدند شعری در آن موضوعات گفته نشده یا خیلی کم سروده شده نمی‌توانند بیشتر از آن بخوانند در این جا لازم است یادآوری نمایم که شاعر اهلبیت حاج غلامرضا سازگار در همه

زمینه‌ها انصافاً سنگ تمام گذاشته و برای ائمه غریب و شخصیت‌های پنهان شعر به اندازه لازم و کافی سروده است. که نخل میثم ۱ و ۲ و اشعار متفرقه دیگر ایشان گواه این مدعاست. (۳) علت دیگر ناآگاهی برخی مستمعین و ارزش ندادن و عدم شناخت و تأثیرپذیری از مرثیه غریب است مثلاً آن گریه‌ای که برخی از مستمعین برای حضرت عباس (علیه السلام) دارند برای مرثیه امام صادق (علیه السلام) و یا حضرت باقر (علیه السلام) ندارند و این از عدم شناخت و عرفان مستمع است.

امیدواریم شعرا نسبت به این مهم توجه بیشتری نموده و مداحان هم مطالعات خود را در این خصوص افزایش داده تا مجموع مجالس به نام اهل بیت پرشور و گرم برگزار شود. (۱۷) فن چهارپایه خوانی (چهارپایه خوانی)

مرسوم است وقتی دسته‌های عزاداری در ایام مصیبت وارد بازار یا خیابان می‌شوند. در نقاطی پرجمعیت یا مثلاً در صحن امام زاده یا مسجد جامع چهارپایه‌ای برای مداح می‌گذارند تا بر بالای آن ایستاده و مردم عزادار را بگریانند. این روش را چهارپایه خوانی می‌گویند که ویژگی‌هایی دارد که به برخی از آن اشاره می‌شود.

(۱) در چهارپایه خوانی مداح باید آنقدر بر بیان و شعر و گفتار خود اشراف داشته باشد که حتی يك تپق هم نزند. یعنی کاملاً بر اوضاع و احوال محفل مسلط باشد.

(۲) مداح باید روانشناس و مستمع شناس باشد. و باید بداند که چگونه بخواند و از چه بگوید در مردم تأثیر بیشتر خواهد داشت.

(۳) در این فن مداح باید مجلس را سریع به اوج برساند. و زیاد معطل نکند.

(۴) اشعاری که بالای چهارپایه خوانده می‌شود بسیار داغ و پرهیجان باشد.

(۵) مرثیه انتخابی باید طوری باشد که صحنه‌سازی داغ و تصویر نوین داشته باشد.

(۱۸) تازه خوانی

تازه خوانی یکی دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار در مجلس است. بعضی از مداحان چون شناخته شده‌اند دیگر به فکر تازه خوانی نیستند. فقط نان معروفیت را می‌خورند. وقتی نوارهایشان را می‌شنویم می‌بینیم اکثراً تکراری می‌خوانند یا با کمی تغییر روشن و آهنگ بعضی دیگر با همین شرایط می‌بینیم که اگر شعر و مضمون و مطلب تازه نخوانند خودشان رضایت ندارند لذا زحمت می‌کشند که خداوند بر تعداد و توفیق این گروه می‌افزاید.

البته برخی اشعار و تک‌بیتی‌ها، دمه‌های دو دسته از قدیم الایام خواندن آنها مرسوم بوده و مردم هم با آنها خود گرفته‌اند و این دسته اشعار مستثنی هستند. نقل:

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد - جوانان بنی‌هاشم بیایید - گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را - امشب را شه دین در حرمش مهمان است. اینها با گوشت و پوست و خون و مرام و مسلک مردم در آمیخته.

منظور ما از تازه خوانی استفاده از اشعار و نوحه‌های جدید که دارای مضامین عالی، روح عاطفی و احساسی و همراه با رعایت اصول و قواعد شعری می‌باشد. متأسفانه برخی مداحان برای پر کردن این خلاء به استماع نوارهای خواننده‌های معلوم‌الحال طاغوتی و مبتذل و غنا و حرام روی می‌آورند که مایه تأسف است.

(۱۹) فن گریز و پل سازی

این فن از فنونی است که اگر مداح به آن آشنا نباشد و نتواند آن را به خوبی اجرا کند. اذهان مستمعین پراکنده و لذا دیر با موضوع و مضمون ارتباط برقرار می‌کنند. و بارها دیده شده گریز و پل سازی مناسب و به جا یکبارہ مجلس را متحول می‌کند این فن به سه صورت انجام می‌شود.

(۱) از خودخوانی به مدح و مرثیه

(۲) از مدح‌خوانی به مرثیه

(۳) از مرثیه به مرثیه دیگر

(۱) از خودخوانی به مدح و مرثیه

در قسمت اول مداحی درحال خواندن این شعر است.

یابن الحسن بیا که حلول محرم است - شادی به ما حرام شد و ایام ماتم است د تا جایی که می‌گوید:

سقا زتشنگان حرم شرمسارند - خشك ز شعله خجالت او نهر علقمه است د
بر عاشقان سیاحت گلها حرام شد - خاکم به سر قامت سرو علی خم است د
(۲) از مدح‌خوانی به مرثیه

(۲) مداح شعری را در مدح یکی از معصومین (علیه السلام) شروع می‌کند. برخی از ابیات شعر اشاراتی به مصیبت شده است. در هر بیت که مداح آمادگی دارد یا زمینه آن قبلاً توسط واعظ یا مداح قبل فراهم شده است.

از مدح به مرثیه گریز می‌زند.

به مثال ذیل دقت فرمائید در توصیف حضرت زهرا (س)

علی زماه جمالت چو پرده بردارد - خدا به دیده او جلوه دگر دارد د

چند بیت این قصیده مدح است تا جایی که می‌گوید.

غمت شکست علی را چنانکه در دل شب - پی جنازه تو دست بر کمر دارد د

در این جا از مدح به مرثیه روضه و مصیبت تشییع جنازه حضرت زهرا (س) اشاره می‌شود.
یا در شعر دیگر

ای زجمالت فروغ حق متجلی - خاك مزارت بهشت اهل تولی د
در ادامه

با که بگویم که به جای مزد رسالت - سیلی خوردی کنار تربت بابا د
یا راجع به امام صادق (ع)

ای روی تو قبله خلائق - یا حضرت کاشف الحقایق د

افسوس که حرمت شکستند - پیوسته دلت ز کینه خستند د
(۳) از مرثیه‌ای به مرثیه دیگر

مثلاً در روضه حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌خوانیم بدن حضرت سه روز در میان آفتاب ماند. اهل شیعیان آمدند بدن آقا را اول گلباران کردند و سپس با احترام تشیع و به خاك سپرده‌اند.
اما کربلا به جای گل سنگ و نیزه بر بدن اباعبدالله (ع) زدند.

یا در روضه امام رضا (ع):

هنگام جان دادن جوادش را بالای سرش مشاهده کرد. و امام جواد (علیه السلام) سر پدر را بر روی دامن گرفت اما این قضیه کربلا بر عکس شد. پدر آمد و سرجوان خود را بر روی دامن گرفت.
یا در روضه حضرت زهرا (س):

حسنین آمدند روی بدن مادر افتادند امیرالمؤمنین (علیه السلام) با احترام آنها را از بدن مادر جدا کرد.

اما کربلا وقتی سکینه (س) آمد کنار بدن بابا با تازیانه او را از بدن جدا کردند.

بخش هشتم باید و نبایدها در مدایح و مرثی اهل بیت (علیه السلام) در مقدمه این بخش توجه برادران عزیز مداح را به ارزش کار مداحی جلب می‌نمایم.
(۱) مکرر این حدیث را شنیده‌اید. هر کس بگریاند، گریه کند و یا خود را به گریه بزند بهشت بر او واجب است.

(۲) امام صادق (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) علاقه بی‌حد و حصری به روضه اجداد خود بویژه آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) داشته و مرتب مادر حسین (علیه السلام) را مورد عنایت خویش قرار می‌دادند که مشهورترین آنها سید حمیری، گمیت اسدی، دعبیل خزائی می‌باشد.
(۳) صاحب جواهر (علیه الرحمه) فرمودند سه خط شعر روضه برای اهل بیت (علیه السلام) را با تمام کتب فقهی من جمله جواهر الکلام عوض می‌کنم.

(۴) همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی در کتاب خاطرات خود با ترجمه دکتر محسن موید، چاپ ۱۳۶۱ اذعان نموده است که یکی از دشواریهای استعمار در کشورهای اسلامی بویژه کشورهای شیعه‌نشین برپا داشتن مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) از سوی شیعه و اجتماعات بزرگ سوگواری در ماههای محرم و صفر و ایراد منظم خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی که در تقویت و استحکام مبانی ایمان مسلمین نقش انکارناپذیر دارند و آنان را به رفتار نیک و امی‌دارد. و لذا مراکز عزاداری امام حسین (علیه السلام) یا تکایا باید به ویرانه‌ها مبدل شود. برای این منظور اقداماتی انجام شود. که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

(۱) وارد کردن بدعت‌ها و خرافات در جلسات امام حسین (علیه السلام) مثل علم‌های سنگین آهنی.

تذکر: علم در عزاداری از سنت‌های دینی و حسنه است و به شکل عمودی است و بیرق یا پرچم بر روی آن نصب می‌شود. منظور نویسنده از علم، علم‌های چند تیغه آهنی است.

(۲) بی‌محتوی ساختن نوحه‌ها، اشعار که باعث می‌شود. علما، متدینین و افراد سابقه‌دار در عزاداری کمتر رغبت کنند به این جلسات بروند و فقط جوانان می‌مانند با صدر شور و احساس آنوقت ما اهداف و برنامه‌های بعدی را پیاده می‌کنیم.

(۳) انتخاب وعاظ و نوحه خوانها یا تعزیه‌خوان‌هایی که سوء سابقه دارند که در نتیجه علاقه مردم به این جلسات کم می‌شود.

(۴) چاپ و نشر کتب و جزوات که حاوی اشعار بی‌محتوی و دون شأن اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

(۵) ایجاد شك و گمان نسبت به جلسات مذهبی و هرگونه جماعات دیگر در کشورهای اسلامی.
(۶) تبلیغ مذاهب من درآوردی برای پیروان تشیع مذهب حسین الهی در غرب و شمال ایران مذهب علی الهی، در طوس یا خراسان مذهب هشت امامی در اصفهان مذهب صادق الهی.
(۷) تقویت غلات (جمع غلو) در شیعه به بهانه علاقه زاید الوصف به خاندان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم)

تذکر: ائمه طاهرین (علیه السلام) بویژه امام صادق (علیه السلام) غلو را به شدت نهی نموده و یکی از خطرات دین هم محسوب می‌شود.

(۸) ایجاد ابتذال در نوحه سرائی‌ها و اشاعه فرهنگ غربی (سوت زدن در محافل) به بهانه جذب عده‌ای و صدها مواردی دیگر. مشارالیه در ادامه یادآور می‌شود. کتابی است در انگلیس به نام (اسلام را چگونه نابود کنیم) و آنچه در این کتاب در جهت تخریب دین بویژه در بحث عزاداری امام حسین (علیه السلام) یافته‌ام عالی به نظر می‌رسید که بهترین و عملی‌ترین برنامه‌هایی بود که من و همکارانم وظیفه داشتیم در ممالک اسلامی انجام دهیم.

گمان می‌کنم اهمیت جایگاه مداحی اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) در این مقال نمی‌گنجد و به این چند بند ختم نمی‌شود. اما برای روشن شدن اذهان کافی به نظر می‌رسد. حال با توجه به حساسیت این مهم به بیان بایدها و نبایدها در مداحی آل محمد (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌پردازیم.

(۱) بیائیم دست به دست هم دهیم و همگی از اشعار خوب و پرمایه استفاده کنیم. اگر به شعرایی مثل سید حیمری، فرزددق، دعبل، کمیت و دیگر شعرا و ادبای مذهبی توجه کنیم، می‌بینیم سطح شعر مذهبی در گذشته خیلی بالاتر بوده و در نوع خود سخت‌ترین و محدودترین شعر بوده است و هر شاعری توانایی سرودن این نوع شعر را بدون کسب سرمایه‌های لازم علمی و معنوی نداشته است. متأسفانه شعرای خوب تا زنده‌اند مورد توجه قرار نمی‌گیرند وقتی از دنیا می‌روند چاپلوسی‌ها و تعریف و تمجید شروع می‌شود. مگر مرحوم شهریار را نداشتیم آنقدر مشکل داشت. شاعر را می‌شناسیم بواسطه صاحبخانه‌اش با او آشنا شده‌ام وقتی به دیدنش رفتم در بدترین وضع ممکن بسر می‌برد. همین شاعر فقط صدها بیت شعر ناب فقط برای حضرت معصومه (س) سروده است و هزاران بیت شعر برای سایر اهل بیت که حتی قدرت چاپ شعرش را ندارد. اما هر سال محرم که فرا می‌رسد صدها جزوه جیبی و کوچکتر با صدها عنوان دارد وارد بازار می‌شود. که غیر از چند جزوه انگشت شمار بقیه اصلاً قابل ارائه در مجالس اهل بیت نیست. عموم آنها توسط مداحان سرشناس خوانده و نوار و سی دی آن در سطح کشور تکثیر و در اختیار مردم است شما را به خدا چه کسی باید بهداد وضع چاپ و نشر شعر برسد. مگر نخل میثم سازگار، دل سنگ آب شد انسانی دیوان‌های مویده، چه عیبی دارد که همه باید اشعار بی‌محتوی بخوانیم. می‌گویند مردم شعر محاوره‌ای فولکور (فولک ور) را بیشتر می‌پسندند چه کسی باید سطح فکر مردم را بالا ببرد البته در شعر محاوره‌ای هم ما اشعار پر محتوی و جانسوز همراه با عاطفه داریم. مثل اشعار حاج احمد آرونی، حاج قاسم ملکی، شهید غلامعلی رجبی، جانباز عزیز محمود ژولیده حتی بعضی از اشعار حاج علی‌انسان و حاج غلامرضا سازگار اما همین‌هایی که دارای محتوی است یا خوانده نمی‌شود یا کمتر خوانده می‌شود.

مقام معظم رهبری در یکی از دیدارهای خود با مداحان فرمودند:
توصیف جسمی معصومین مثل وصف زلف و ابرو و دهان و چشم... یک طرف قضیه است مهمتر از همه ذکر معارف و فضائل اخلاقی و روحانی آنان است که لازم است بیان گردد و آن جلوه‌هایی از زندگی آن که به ما درس اخلاق و دین می‌دهد را باید بازگو گردد.
وقتی این شعر را برای یک پزشک مسیحی قرائت کردم، گفت حقیقتاً امام و پیشوای برحق جامعه امیرالمؤمنین و همسر و فرزندان او هستند.

می‌زند پس لب او کاسه شیر - می‌کند چشم اشارت به اسیر د
یا درباره حضرت زهرا (س)
این شنید ستم که آن گلدسته باغ عفاف - جامه نو را به سائل می‌دهد شام زفاف د
این عمل ثانی ندارد در جهان بی‌اختلاف - جز علی که داد شمشیرش به دشمن در مصاف د
فهرست مطالب

.....(Anotates).....

(۱) برخی از جملات بندهای (۱) و (۲) و (۳) از بخش سوم برگرفته از بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری است. به لحاظ کثرت سخنان معظم له از آوردن گیومه در متن خودداری شده است.
(۲) این بند مربوط به بیانات مقام معظم رهبری است.